د مصطفی عمرزی په زیار

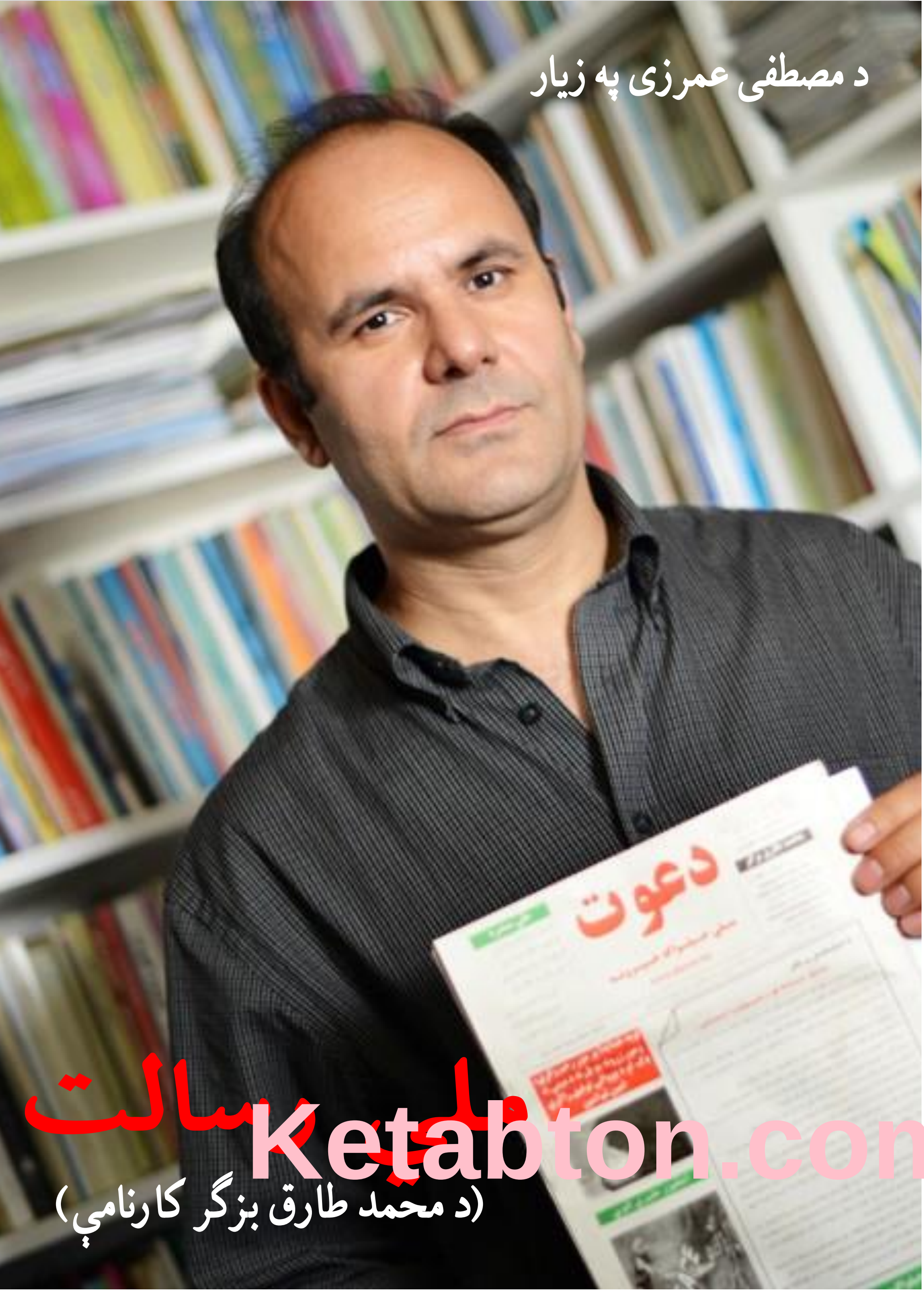

ملي رسالت

(د محمد طارق بزگر کارنامې)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشریې د یو دیرشم کالیزې په ویاړ
به افتخار سی و یکمین سال نشریه ی دعوت

ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زیار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی

راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی

سمونه: م.ع-م.ط.ب

دیزاین: م.ع

ژبې: پشتو او دری افغانی

مخونه: 203

خپرونکې: م. ط. ب

د چاپ شمیره: لمړی

چاپځی: کی یف-اکراین

ټوکې: 1000

کال: ۱۳۹۸/2019

ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:

۱- رسالت ملی..1
لمړی څپرکی/ محمد طارق بزګر...5
۲- حبیب الله غمخور..5
۳- محمد نقیب تره خیل..21
۴- قدرت الله هیوادپال..24
۵- محمد سرور وکیلی...27
۶- امرالدین سرحد..28
۷- استاد کم باور کابلی..29
۸- پوهنمل رحمت ځواکمن..30
دویم څپرکی/ دعوت..32
۹- مصطفی عمرزی..32
۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ...34
۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی..............40
۱۲- عبدالغفار جُبیر...46
۱۳- قریب الرحمن سعید...48
۱۴- محمد آصف ننګ..51
۱۵- سردار ولی پشتون زوی..54
۱۶- شاهی سعادت...56
۱۷- استاد کاظم بیمار ننګرهاری..58
۱۸- شکریه بارکزی..60
۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال..61
۲۰- داکتر نبی مصداق...63
۲۱- محمد نقیب تره خیل...66
۲۲- ذاهد جلالی...68
۲۳- داکتر محمد نواب ویساند...70
۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی.......................................73
۲۵- فهیم نظیمی...75
۲۶- بیکسیار...76
۲۷- داکتر جمشید سمون...79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی..83
۲۹- سرلوڅ مرادزی..85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان...............................87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکړ.......................................89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد...93
۳۳- هلمند پردیس..95
۳۴- استاد صباح...97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی...102
۳۶- محمد امین بسمل...103

دریم څپرکی / پیغامونه..106
۳۷- ولي الله ملکزی...106
۳۸- استاد عمر پاڅون...108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی...109
۴۰- نجم شینواری...110
۴۱- عظیم الدین علیمی...111
۴۲- استاد صباح..112
۴۳- داکتر لطیف یاد...113
۴۴- عاشق فنا...114
۴۵- ف. هیرمند..115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان..117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنې پیغام..118
۴۸- نیک هدایت ځاځی...120
۴۹- محمد ایاز نوری...121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون...123
۵۱- د زلمو پاڅون ټولنه...126
۵۲- محمد یوسف هیواددوست..130
څلورم څپرکی / د بزګر څیره..132
۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»...132
۵۴- در مطبوعات غربی..136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی..148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن..................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی..154
۵۹- ستایش نامه ها...155
پنځم څپرکی/ د دعوت نوستالژی..163
شپږم څپرکی/ د انځورونو البم..186
معرفی مصطفی عمرزی...200

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بود که خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست که در دیار هجرت، در پشت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یاد افغانستان می انداختند. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادند و در سوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بود که در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربانی، منافع و مصالح ملی، قربانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چند منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنا بر این، روشنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پی آمد تجاوز شوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربه در انظار بزرگانی که این جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شناختند، به نقاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی می کردم از منظر احاطه ی من به تاریخ، بخشی از رسالت ملی یک افغان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک ترین ها (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانایی) مستندی از زنده گی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیستند. بخشی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شاهد بودم، ضم مهم است؛ پشت جبهه ای که از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان های دردمند را در سوگ وطن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد می آورد تا در فراق کاشانه عزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند.
تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.
روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد.
محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟
راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.
آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.
در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

لمړی څپرکی:
محمد طارق بزګر

د محمد طارق بزګر د دعوت جريدې
او ويب پاڼې مسوول مدير لنډ ژوندليک
حبيب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې ښکلي شعر په لوړېښي سره زموږ د دې ځوان او هڅاند فرهنګي شخصيت، ليکوال، او ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژندنه پيلوم.

د وطن د شرف سپريم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولي دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه ليکوال او فرهنګي څېرې **۲۳** کلن فرهنګي او ولسي چوپړ يادغونډې ته ئې ډالۍ کوم.
د پيل خبري:
درانه لوستونکي خبر دی چې د سويډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېرې د علمي او فرهنګي چوپړ د درنښت په وياړ د روان کال د دسمبر پر لسمه يوه درنه غونډه رابللې ده.
يا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او يا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه يو رسېدلي چې د خپلو شخصيتونو ژوندليک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګی دوست د پېژندليک د ماڼۍ ډبره کښېږدم.
پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندليک به تر دې چې ما ليکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګي چوپړ سره به ډېر هیوادوال اشنایي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لړ او ډېر د دې درونډ شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګي ګټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کښې پر دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړي ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت ارواښاد ګل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینارکښې د ډېرو فرهنګي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د ګران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګي همکاري او هڅې تر نن ورځې پوري دوام لري.

دا چې په سویډن کښې د ژوندو فرهنګیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د ویاړ ځای دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعني بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژوندیو څه قدر نسته. کله چې خدای نخواسته مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننګیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسيزه کښې د ځوانو فرهنګيانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پايله کښې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، يو چې نه يوازي له هيواد نه بهر بلکې د داسي ستاين غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزيدلي ده.

اوس د ژونديو ليکوالو، اديبانو، شاعرانو، ژورناليستانو او فرهنګيانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کيږي او د هغوئ د ستاينې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړيږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژونديو وياړونو ستاينه کيږي او هغوئ نور هم علمی او ادبي چوپړ ته هڅول کيږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه يوازي فرهنګی شخصيت دی بلکې يو کارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم ليکل سوی، چې د ده د پوهي او وطني مينې ښکارندويه بېلګه ئې ګڼلاي سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه يوازي د بيلابيلو مقالو په ليکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په أسمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئي نه يوازي دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېړونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جريدې د نشرېدو تر څنګ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لاري هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د يوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول ځومره ستونزمن کار دی، خو وياړ ئي پدې کښې دی چې د همدې رسنۍ په مټ ليکوال او ولس يو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزګر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنګی چوپړ په ملي ارزښت پوهيږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پر ټنډه ليکل سوی چې مياشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کې خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په يوه او دوو مياشتو کې نه زړېږي.
زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، ښکې مشوري او معلومات ترلاسه کړل شي.
زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزګر صاحب ژوندليک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندي ډېري خبري وليکم. دومره غواړم ځرګنده کړم چې دعوت اوس يوازي داسي خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلۍ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستي د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنګي او ټولنيزو پېښو د څو کلن تاريخ په کتابتون او أرشيف او د ورځنيو مسائيلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډګر بدل سوئ دی.
طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنګی چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنګ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توګه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي ګټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنګی ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخيستې؛ په کومو کې چې د ګډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنګی ټولنو په نوښت علمی او څېړنيزو کنفرانسونو، سمينارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرګردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنګ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې تلوېزيونی چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.
زه محمدطارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنګی چوپړ کښې د لازياتو برياو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنګي چوپړ دبڼ د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپېژنم.
زېږېدنه، یا دې نړۍ ته سترګې غړول:
د پښتو ژبې دغه پېژندل سوي څیره او ژورنالیست محمد طارق بزګر له نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نړۍ ته په ۱۳۴۵لمریز کال د کنړ ولایت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکی ارواښاد عبدالقیوم بزګر په یوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترګې غړولې دي.
ارواښاد عبدالقیوم بزګر د کابل پوهنتون د حقوقو او سیاسي علومو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شاه او داوودخان په رژیمونو کښې مختلفې دولتي دندو په کار ګمارل سوئ دي او هغه ئې په پوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولې دي.
ښاغلي طارق بزګر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښار په مختلفو ښوونځیو کښې سرته رسولې دي. نوموړی لا د کابل ښار د نادریې لیسې په یولسم ټولګۍ کښې په زده کړې مصروف و چې دی پر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړاندې د مخالفت له مخې په ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو ته مجبور سو؛ په داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.
د نوموړی په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کړو سپارښتنه او هڅول کیده، ځکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په برۍ پای ته ورسول.
په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزګر په اړه لرم دلته ئې هم د ناروې دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسته ئې دکانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایی چې تر څو ژوندی وی زه به تل یو زده کوونکی یم.
لیکوالي او فرهنګي چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزگر صاحب وايي لمړی ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پوري د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښي په پښتو، دری، اردو او عربی ژبو خپرې شوي دي. طبيعی ده چي تر اوسه ئي له نښکه مرغه د قلم رنگ نه دئ وچ سوی او گوتې ئي د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداي ورکړي استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسواې ماتولاي. همدا دليل وو چې پس له ډېر زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپی رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپروني چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو گڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبې سره مينې او محبت د دې ټاټوبې اوسېدونکو ته د انساني چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنگی رښتياني او گټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپروني هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنگی بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د څرگندولو تر څنگ ئي تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنگی او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.

دعوت خپروني او دعوت ويبپاڼه کښي د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزگر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپاڼه کښي د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمی همکار دنده او مسئوليت دی. اړينه ئې بولم څرگنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انگليسي اوناروېږي ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزوني په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارگانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکی د بېلگې په توگه

(c) ketabton.com: The Digital Library

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارگانو او خپله ښاغلی بزگر صاحب د ژورنالستیک او فرهنگی خدمت د ارزښت او رول په هکله تر یوه بریده معلومات پیدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق لیکي:

تاسو د ډیرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښي ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وگټلو. اوس چې هماغې جریدې تر څنگ ډیر اصلاح شوی او ښایسته ویب پاڼه هم پر مخ بیایې ډیر د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسیزې کیږي چې د نړۍ په هر گوټ کې خواره شوی یؤ. دعوت جریدې ته د انتظار پر ځای، د ویب پاڼې له لارې د افغانستان په پیښو هره ورځ خبریږو.

زموږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وایي:

نشریهء دعوت به مثابهء یک نشریهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري لیکي:

دعوت د خپلې ناپېلې او بې پرې تگلارې پر بنسټ د افغاني - پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ یې د افغانانو د ټولنیزو فرهنگي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توگه ځلیږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانگړې توگه د افغانستان ناورین ځپلې ټولنه چې د ټولنیز ژوند هرگوټ یې د درو تېرو لسېزو خونړیو جگړو په ترڅ کې په ژورو گړنگونو اوښتی دی.

جگړې نه یوازې زموږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه یې را دړې وړې کړل. نیواکگرو او ښکیلاکگرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهؤ خو د ډیرې خواشینۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه یوازې پردیو وکړه، بلکه یو شمیر ککړو افغان لاسونو هم پردیو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تیل ور توی کړل چې ان پردې په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرگوره! د دعوت ویبپاڼه یوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بیا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تویوي.

په وروستیو وختونو کې د دعوت ویبپاڼې انځوریزه مخښه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخښې په پرتله یې لا ښکلا وموندله.

کاندیدای اکادمیسین او تاریخ پوه محمداعظم سیستانی صاحب هم د دعوت ستاینه کوي وايي:

دعوت با چاپ، نشر و توزیع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترین تحولات اجتماعی و سیاسی متعلق به کشور جنگ زدهء افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بینم، این رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزیار صاحب د دعوت دشلمې کالیزې په مناسبت خپل لیږل سوی پیغام کښې لیکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلې مهالنۍ شلمه کالیزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نیکمرغه او ښه وایم. ټولمنلتیایې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې یوخوایې د درو خپرنیو (پښتو، پارسي او انگلیسي) ژبو په کارونه د قلمې همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل یې له ټولو رسنیزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او لیدتوگې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې اېښې ده. په دې توگه یې د هغو لنډ اندو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېځایه نیوکو پلمه له منځه وړې چې گډ تاریخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سیاسي، اندپوهیزو او ژبتوکمیزو او بیا د بهرنیو بادارانو له گټو وټو ځاروي.

د ژوند په داسي ناخوالو کې یې ډیر کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دریغه مینې او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.

مطبوعاتي کار او دیوې ملي خپروني پرمخ بیول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وینو لړلی، لړزانده او د رنگونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library

کې د زړه خوږ غواړي چې ځوک دي شل کاله ور باندي ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.
زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکې مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ډول زموږ او تاسو سره شریکوي:
محترم بزگر صاحب!
تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کي یوه مطرح او درنه پاڼه گرځېدلې ده.
تاسو گران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو گران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چي تاسویې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ گرځولې ده.
د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:
د دعوت جریده او بریښنا پاڼه د تاسیس د ورځي څخه بیا تر نن پورې د گران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقایقو په نشر او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندي نده تللي او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.
دعوت، بیطرفه جریده او بریښنا پاڼه ده؛ مگر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي خیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي گټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.
له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:
دعوت رښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنگان وي.
د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو په رسنيز بهير کی دعوت ځانګړی ځای لري. ښايی د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وګڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چې زموږ فرهنګي او قلمی ملګري په دی توانيدلی چې د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لايی هم ورته ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړيکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زر يې ټايپ ته لار وميندله چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرګونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انګليسي او نارويژي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لري.

انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکوسره پدې ښه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپی او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسئ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کړدۍ لمځۍ د ګران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

(c) ketabton.com: The Digital Library

وايي: بزګرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړانـدي ليکـي، دعـوت هغـه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسيزو کې يې د افغان ولس ملګرتيا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانـک ډالـۍ کـړي دې، خپرونـې ورتـه پوهـه، مينـه او ورورولي ورکـړې ده. د نېکمرغـۍ ځـای دی چـې دې خپرونې دوې لسيزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر يو څو ګڼو وروسته يې بيا څرک نه لګېږي، خو دعوت برېښـنايي نـړۍ تـه هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر ګوټ ته يې ځان ورساوه، چـې پـه دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزګر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چـې پـه دومره بوخت ژونـد کـې يـې شـپه او ورځ پـر ځـان يـوه کـړې او دغـې خپرونې ته يې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکـړه چـې دغـه نظرونـه پخپله د ښاغلي طارق بزګر د لنډ ژوند اوږد داستان بيـانوي، پـه لوسـتلو ئې لوستونکی ته له ورايه څرګندېږي چې ولـې مـوږ د ده قـدر کـوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنګيـانو، اديبـانو، پوهـانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمی غونډو او سيمينارونو کې برخه اخيستل:

لکه څرنګه چـې د ليکنـې پـه پيـل کښـې مـې اشـاره ورتـه وکـړه، بزګـر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپـايي هيـوادو او امريکا کښې د افغاني فرهنګی ټولنو په نوښت جوړې سوې په يوشـمير نورو هغـو نړيوالـو کنفرانسـونو کښـې هـم برخـه اخيسـتې؛ کـوم چـې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلګې په توګه:

۱/ د ۲۰۰٦ کال د اپريل پر ۲۵ او۲٦ د ((اکو سيستم د بوټو څخـه ونـه د ساينس نظر او چلنجونه او د اکو سيستم او د غربـت مخنيـوی)) ترنامـه لاندې د ملګروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشـاپ چـې د ډنمـارک هيـواد د کوپنهـاګن پـه ښـارکې د دې هيـواد د بهرنيـو چـارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمـې پـورې د قـانون اېښـودونکو ټولنـو لـه خـوا د G8 (۸ سـتر صـنعتی هيوادونـه) اجنـډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامـه لانـدي د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.
۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((پـه نـړۍ کـې ټـول ژوندي موجودات او په ځانګړې توګه د هغوی ژوند کول او اوسیدل)) (۲۰۱۰ او تر هغـه وروسـته). پـه دې کنفـرانس کښـې د ۸۰ هیوادونـو د چاپیریال ساتنې لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.
۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیـو چـارو وزارت پـه مـالي مرسـته د ((د اوبـو د بیځایـه مصرـف مخنیوي)) ترنامـه لانـدي ورکشـاپ او کـانفرانس چـې د ۱۷ هیوادونـو ژورنالسـتان وربلـل شـوی وو او د ژورنالسـتانو د شخصـې روزنـې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.
۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لورې د ((ټولو ژوندي موجوداتـو سـاتنه او د دوامـدارې پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندي د نـاروي هیـواد تورنـدهایم پـه ښار کې علمي کنفرانس.
د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډېرو افغاني غونډو کـې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، نـاروې، سـویډن او نوروهیـوادو کـې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.
د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بـی سـی پښـتو او فارسـی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیوالـه راډیـو فارسـی، المان غږ دویچـې ویلـې پښـتو رادیـو سره پـه سـلګونو سـیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صـاحب سره د افغانسـتان د ورځنیـو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډېـرې مرکـې سـوي چـې پـه نـارویژي اخبـارونو، راډیـو او تلویزیونونـو برسـیره پـه یـو شـمیر افغـاني مجلـو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.
د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، نارویژي باندي پـوره پـوهیږي؛ خـود دې ژبـو ترڅنـګ یـوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو په اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دری، اردو، انګلیس او نارویژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وايي د کتابونو ټولولوسره له ډير پخوا مينه او علاقه لري. همدا ډول په زرګونو انځورونو، ويډيوئې کسټونو، سی ډي او کسټونو چې په ټولوکښې د افغانستان په اړوند معلومات راټول سوی د بزګرصاحب د کورنۍ کتابتون يوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعاليتونو په څنګ کې پر څو کتابونو کار کوي چې ځيني يې تقريباُ بشپړ او يو شمير به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ ناروېژی پښتو ډيکشنری چې تر اوسه((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو ((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګليسي له ژباړې او تشريح سره.

۳/ پښتو ((۱۰۰۰)) متلونه د انګليسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو ليکنو او مرکو کتابونه د کلکسيون په بڼه.

دولتی دندې:

بزګر صاحب زما ديوې پوښتنې په ځواب کې راته وويل: اوس د ناروې د دولتي ټلويزيون (nrk) سره په ځينو پروژو کې برخه اخلم او کار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تليفون له لياري کله ناکله ترجمه هم کوي.

ستاينليکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګی چوپړ په درشل کښې د امريکا په شمالي کليفورنيا کې افغاني کلتوري ټولنه، په جرمني کښې د افغانستان د کلتوری ودې ټولنې، په امريکاکښې نور ټلويزيون او سويډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګی ټولنې له خوا په ستاينليکونو سره نازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د يوې پوښتنې په جواب کښې راته وويل چې درې ورونه او څلور خويندې لرم. هغه زياته کړه دوه ورونه مې ډاکتران او يو بل

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورور مې د عربی ژبې او ادبیاتو څانګه کښې لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.

د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خوېندو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوئ هم د تعليم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.

بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰کلن او کشری زوی ئې سمون جان یونیم کلن دی.

ماته له بزګر صاحب سره په اړیکو کښې دا څرګنده سوې چې بزګر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توګه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډېر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډېرو ساده او خوږو کلیمو جواب وایي. یوخوږ مجلسه سړی دي.

هغه یوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځاي ورسره ګډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډېرو ادبیانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادېږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څېر دې دیوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنویې د یوه درانه شخصیت په توګه ګران او د قدر وړ شخصیت دی؛ ځکه خو پدې ډاډه یم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه وري فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښې د درناوي وړ شخصيت پاته وي.

ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت پـه پايلـه کښـې زيات علمی، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپرونـې لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلی هيواد راتلونکو نسلونو ته ديوې علمـي او ادبي پـانګې پـه توګه په پنځوسو هيوادو کې د افغانسـتان د اوسـنيو او راتلونکـو حـالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او انديښنو نه څنګه او په کومه بڼه د هيواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.

دعوت ويبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولای سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توګه ور ورسوي.

د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د يو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښې د بېلا بيلـو زبرځواکـو د دښـمنيو او ډول ډول دسيسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړينـه ده چـې د هيـواد د داسي ځوانـو شخصيتونو درناوی وشي او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.

زه ديوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مينـې او د دوئ پـه وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پيـاوړي پوهـان، ليکـوال او څيړونکي لری؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بايـد د خپلو عادي ساده او لړو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبيا د بحـث پـه نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړی او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړی او د دوئ نه وغواړی چي ستاسو سره پر يـوه کمبلـه او يـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پيرزوينو ونازوي.

د خپل هيواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر يوې بلې پېړۍ پوري هم د ګاونډيانو او نړيوالو د اقتصادي، سياسي، ټولنيز او فرهنګي ستم او تيري لاندې وساتي.

په ګران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهي او خپل منځی مينې او محبت زياتېدو لورته د پياوړو ګامونو د پورته کېدو اوخپل هيواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصيت د ستاينې او هڅونې په هيله.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریښتني شخصیت
محمد نقیب تره خیل

محمد طارق بزګر له تنکۍ ځواني پـدې بـاور وه چـې تفکـر د معرفـت او معرفت د هدایت او هدایت د رضایت، قناعت او د ریښتنی شخصیت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پیسو ګټلو پر ځای د علم ګټـل خـوښ کـړل. معرفت هاغه د معنویت واټ ته هدایت کړ، هدایت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنګ وي. او بل که د قـدرت پـه وخـت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بیا مستي او هوس زیږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله یې ظلم او استبداد زیږیږي.
هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخـواه او جاطلبـه کیږي، بیا هم هغومره فتنه او فساد زیږوي، څنګـه چـې همداسـې پـه افغـان ټولنه کې وشول اولا هم کیږي. یو شمیر کسانو په دا ۴۰ کـالو کـې د هیـواد دننه او بهر په لس هـاوو ګوندونـه- تنظیمونـه پـه سـل هـاوو ادبي- فرهنګـي کولتوري ټولني د هیواد، اسلام، انسـان او قـوم پـالني ترنامـه لانـدي جـوړې کړی دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثـروت، شـهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سیاسي دفترونه د اسلامیت، انسـانیت او قومیت پلورنې هټې ګرځولي. له همدې لامله د ارزښـتنو پلـورل د اکـثرو افغانانو عادت شوی. له ټـولنې حیـا کـډه شـوی او بېشرمـي پـه کـې معـاف شوی. همدا د ارزښتونو سـوداګر پـه جـبر او ظلـم ثـروت او قـدرت ترلاسـه کوي. بیا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کیږي. د سلطنت له مرګ سره یې د شخصت مرګ جوخت وي.
دا منلې او عملي شوې وینا که انسان قدرت تـه پـه ګونـډو نشي- ثـروت تـه خامخا تسلیمیږي. بزګر هـم د ابـراهیم ابـن ادهـم غونـدې د خپـل مضـبوط ایمان پر باور او د نفسي سپېڅلتیا په قوت پورتنې وینا د خپل ځان په اړونـد باطله کړې.
ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پـر مقصـد د مکي معظمې پر قصد پرېښود. ډېـر کلونـه وروسـته د بحـر پـه څنـډه ادهـم خپلې څېرې او شړېدلې جامې ګنډلي، پـر آس سـپورکس یـې تـر څنـګ تېرېږي، ورته ځیر ګورې پېژني یې چې زه خو د دې سلطان یو وخت وزیـر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وم. ورکښته کېږي او ادب یی کوي، ورته وایي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصیبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وایي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهیم ستنه بحر ته گذاره وي، بیا غږ کوي، راکړه ستن مې، یو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستنې په شونډو کې نیولې وي. وایي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه یو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، یو یهودې هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقیب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تمیږي. خو څه وخت چې ابراهیم د ناستو کسانو خواته رسیږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږیره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وایي زویه! که مې دا ږیره د خدای لپاره نه د ریا لپاره پرې اېښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکې دې ښکلې ده او که په جنت کې یم بیا نو زما ږیره ښکلې ده، هلک ړومبې خجالتیږي، بیا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صیب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ریښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر څنګ یې د حق په پلوې او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنیز سنگرجوړ کړ. یقیناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقیقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ریښتینولي او یومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهیم د ادهم اولادې ته د پلار میراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصیت مشروعیت د سلطنت له درباره اخیستی وه. نو د سلطنت له بایللو سره جوخت بېشخصیته هم شول، خو ابراهیم چې یو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلي وه، او د پوهې په رڼا د عقېدې په مضبوطتیا د نفس په سپېڅلتیا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو یې خپل کوچنې او لنډ عمره شخصیت ستر او تلپاتې کړ. د دې تر څنګ یې آن د کورنې مړ شخصیت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقیقي شخصیت بڼه ښیي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د بزګر شخصيت دعـوت دي او دعـوت د پـوهې او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی طارق بزگر چې زه يې پيژنم

قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلې بزګر له ډېر وړوکوالي پيژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تيرېږي په داسې حال کې دي چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلې بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپيڅلې مبارز دی.

زه ښاغلې بزګر له ډېرې زمانې راپيژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په ټليفون سره غږيږو، نو له کورنې احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهيږم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع بړدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغيزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم ګڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستې ده.

افغانان تل په درانه خوب ويده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سيارو غمونو پسې يې راخيستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له درييمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاورې پښې سپکې کړي او يا دلته د خپلو جيبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچيانو ساتلي دي. زموږ د تاريخ يوه لنډه داده چې تل يې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امير کروړ دی، بايزيد روښان دی او آن نږدې سيد جمال الدين افغان، پر دې يو هم داسې مؤثق او تاريخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته بايد دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راويښولو لپاره نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهيسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی يې يم. تل يې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم يې خوړلی دی. په نننۍ سياسي چاپېريال کې چې نړيوالو د افغانانو سياسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډيوګانې، ټلويزونونه او خپرونې پيل کړې دي، له هر وخت زيات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسيږي.

ښاغلي بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړی مو دی او زه وياړم چې په کورنۍ کې داسې ننګيالي لرو. زه نه غواړم چې ووايم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته يو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وايم، چې زه نن څه يم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لويه ونډه ده، او د ژوند تر اخيري سلګۍ به يې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له ليکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د يوه خوار غريب بچي په حيث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې يې نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کړې دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره يې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره يې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لېږدولی دی، چې ښه بيلګه يې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګيالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را ميدان ته شي او پخپله ورته يوازې آسانتياوې برابروي او شاته يې دريږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب ايښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړۍ يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پريښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکیلي

زما د مینې او ورورګلوۍ ډک سلامونه او پېرزونې ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه یاد دي،چې له دې خپره ونې سره سم په ډېرو بهرنیو هېوادو کې نورو خپرونو هم پیل وکړ، خو ډېرو یې سقوط وکړ او ځینو یې چې شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکیه لرله
د سیاست له مخې د هغې سیاسي تکیې څخه یې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي یې؛ نو بېخې ډېر لږ یې پاته دي؛ خو د دعوت خپرونه یوازې او یوازې ستاسو په عالي ابتکار، زیار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچې د دعوت په خوږې خپرونه کې کوم شی لیکه نو مې تل پر ښتنو لیکوالانو د اړغ کاوه، چې د دعوت له خوږې خپرونې سره مرسته وکړئ، ځکه دا مالي بار پریوه کس باندې ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو ټولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چې نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل ښتني غیرت او ژورنالیستۍ واک په یوازې سر تر دغه ځایه را ورسوله. تاسو رښتیا هم چې د قدر وړ او د ستاینې وړ یاست. خدای(ج) دې له هري بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه وژغوره. امین!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد طارق بزګر ته!

امرالدين سرحد

منډي يې وهلې يو پښتون په کلي کور کښې
دا يې وويل: چې لر و بر سوځی په اور کښې
ماتړی اوريدلي په غوږو مې يو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موټی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډيرو واوريدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وويل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بيان شو وويل: دا مې قسم دی
وينه کی ده مينه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چې «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چې ويجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمير مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدير کړ
اوس نو مونږه لولو د«عوت» د زړه کيسي
تير شو يو لوی عمر په«بزګر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډيوه روښانه وي
وړانګې يې تودي مخ يې ځلانده وي

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

د گرانې ملي فرهنگي څېرې طارق بزگر نمانځغونډې ته زما پېرزوينې

پوهنمل رحمت څواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل يوه شعر پېلوم:

لکه تيره د بيابان تل په يو حال يم
ونه، نه يم چې بدله په موسم شم
سر به هيڅ د مريتوب چاته ټيټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښايست له پرستشه
که لاهو په اباسين يا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وينه مې ښښلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېلن کې د زلمو پاڅون ټولنه له يوې وتلې او نامتو فرهنگي او ملي څېرې محمد طارق بزگر او د هغه د فرهنگي کار او زيار ستاينه او يادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړې ټولنې ته کور ودانې وايم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت يې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته يې غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په يوازې ځان کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاريخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځايه چې زه گران بزگر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظريات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډېرې درنه ملي- فرهنگي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنگ بدلولو، ځان کړولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دريوو لسيزو کې ډېرې ستری فرهنگې ستېې وښوېدې، بدرنگې شوې، له ملي گټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګ شوې او له موسمونو سره هم رنګې شوې، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي- اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترځنګ ولاړ دې.
دې دا دوه لسیزي اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاریخي او جنګځپلي هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپین ته سپین، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وايې. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره يې يوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مریان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګيرونه ګالي، زيار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتيا هم د زياتې ستاينې او درناوي وړ دې.
زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړياوو، شوګيرونو او ملي فرهنګي هڅو ته د تعظيم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سيدجمال الدين له ټاټوبې راټوکېدلي دغې فرهنګې څېرې ته د سترو ملي فرهنګي کړنو د تر سره کولو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دويم څپرکی:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خپروني نهه ويشتمي کاليزې په وياړ
سراج الحق ببرک زی ځدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنيو مرکز او د دعوت ميډيا ځلرويشت ويښپاڼې مسئوول مدير يوه وړه ارزونه ډله ييزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل ګرځيدلي دي.
ډله ييزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډيو، ټلويزيون، اخبار، ميلفون، ليپ ټاپ او د انټرنيټ نړۍله لارې د رسنيو تر اغيزلاندې يو. ډله ييزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چيني په څېر خپل رول لوبوي.
رسنۍ د انسانانو په سياسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سياست پر رسنۍ او رسنۍ پر سياست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سياست او رسنۍ پر يو بل باندې په دوه اړخيزه توګه اتکأ لري.
ژورناليست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئووليت ور په برخه کړل شوي دی. ليکوال او رسنوال د ولس غږ او سترګې دي. د خبريال يا ژورناليست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبريال د خپلي ژورنالستيکي دندې په تر سره کولو کې څه رنګه خپلي موخې تعقيبوي، څومره پاک انساني نيت او څه ډول ملي احساس لري.
په دې کې هيڅ شک و شوبيان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنيزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو ليکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکاډېميکو بنسټونو او همدارنګه د اکاډېميکو روڼ اندو، سياسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سياست، اقتصاد، روغتيا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډګر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سياسي فکرونو تر منځ اړيکي، د تاريخي پېښو، تجربو، د ازميښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې يو ستر پلټ فورم او يو وياړمن مرکزي رول لوبوي.
د دعوت خپروني محتوياتو او منځپانګې په ستره لمن کې تل د انسانيت، افغانيت، اسلاميت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکميت، ملي ګټو، د بيان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلي کوډکسونو ته جدي پام کيږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو په چوکاټ کې دې ټولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئوول احساس کړي او یا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

دعوت خپروني د هر ډول کرکي، تعصب، تبعیض او پاروونکي لیکنو څخه ځان لرې ساتلي دی. د دعوت په اخبار کې هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعیض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي ګټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه یوازې ځاې شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډیر څه لري.

د عوت میډیا ځلرویشت ویبپاڼه:

اټکل له پېنځه سووکلونو راهیسي اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تیریدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتیاو کې په پر لپسې توګه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ییزو رسنیو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسي بریښي چې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانګړي توګه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالیستکي کیفیت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي میډیا یا ډله ییزو رسنیو شونتیاوې چې د انټرنیت له لارې په بریښنایي ډیجیټل بڼه خپریږي، د ژورنالیزم کیفیت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنیو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چیني ګڼلي کیږي. اخبارونه له ډیر پخوا څخه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چیني ګڼلي شوي دي.

د یوه اخبار یا مهالني ځانګړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات یا ټولنیز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنیزو ارزښتونو کې د خپلوي یو ګډ احساس وموميي. له دې سره د اخبار لوستونکی په راتلونکي کې د ټولني د لوړې پرګنې یا ممتاز قشر- سره په فکري ډګر کې ځان ګډ محسوسوي.

د دعوت میډیا ویبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سیاسي او ټولنیز علمي مالومات خپروي. دا ویبپاڼه اوس په سلګونو، زرګونو لوستونکي او

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ويبپاڼه کې د سياسي او ټولنيزو مسايلو تر څنګ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالنۍ سره زما پېژندګلوي:

کله چي په ۱۹۸۸ کال کي د دعوت اخبار په خپرونو پيل وکړو. د هيواد په دننه او بهر کي د چاپيدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډيره ټيټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هيواد کې خپرونې پيل کړې وې. زه هغه مهال يو کال مخکي تر دې نيټې د خپل ګران هيواد له پلازمېنې کابل څخه پيښور ته او بيا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل يو دوست ما ته د دعوت اخبار يوه ګڼه په پوسته کي راوليږله. په ليک کي داسي هم ليکلي و، کله چي تا دا اخبار ولوست بيا بيرته راوليږه او يا يو بل افغان ته يي د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړيو کلونو کي زما سره د اخبار د ګډون پيسې هم نه وې. اټکل درې يا څلور کاله ورسته مي د دعوت په اخبار کې ګډون وکړو او بيا مي خپله قلمي همکاري هم ورسره پيل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانګه، محتويات او کاري کيفيت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي ګټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمينالوجيکي ارزښتونو، ملي او سياسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالنۍ علمي څېړنيزه ليکني، تاريخي ادبي مضامين، د افغان لوړ پوړې سياسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصيتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتيا او چاپيريال په هکله هر اړخيزه مالومات، په ځانګړي ټوګه د افغانانو د لسيزو ناورينونو او خونړې جګړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د يووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړيوالو منلي شوي معيارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هيواد پالنې او د هيوادنۍ مينې يوه بله ډيوه ګرځيدلې ده.

دعوت، ډيرې علمي، سياسي، تحقيقاتي، څېړنيزه او تحليلي ليکنې خپروي، د بيان او د آزاد فکر ژمندويي کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحيې او سياسي وېښ شعور د پنځيولو او جګيولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټولیزه ټوګه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنیو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یووالي، تلپاتي سولې او ملي امن نظم ته را بولي.

د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپیيلې خپرونه ده او د هیڅ یو سیاسي ګوند او هیڅ یوې ډلې تپلې ته پروپاګند او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي وروروولۍ، سولې او ملي پخلاینه لپاره نه ستړي کیدونکې هلې ځلې کوي.

ډیره د خوښۍ خبره ده، چې دعوت خپرونې خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تیر کړي دي. د دعوت خپرونې اروپا، امریکا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.

د دعوت مهالنۍ او د عوت میډیا ۲۴ ویبپاڼې مسوول مدیر کاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:

بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښي او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښایي په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستې له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صیب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.

د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزګر صیب د افغانستان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.

زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیداې شی، چې دی د کډوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولی شي.

د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګه د څرنګوالي په برخه کې ښایي د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

په یاد ولرو،چې اوس د دعوت مسئوول مدیر نور یو بې تجربې او غیر مسلکي سړی نه گڼل کیږي.
زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توگه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینگار سره غږ کوم، چې د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.
د دعوت د معتبري مهالنۍ د فعالیت، پایښت او بښې په اړه یو وړاندیز:
د دعوت خپروني مسئوولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختگونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چې د خپلې خپروني بڼه یوې چاپي مجلې ته واړوي. دغه نوې میاشتنۍ مجله باید په هره دوه یا دریو میاشتو کې په یوه ښکلې ډیزاین کې چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کې سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتیایي، چاپریال ساتني، ټولنیز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکنې څېړنې او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله باید ځان ته خپل لیکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانگې په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې ځانگړي موضوع په اړه نوې علمي لیکنې وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځې او یواځې د همدې مجلې سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډیر ښکلې ډیزاین او رنگه انځورونو کې خپره شي. مجلې ته په پیل کې یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په گوډ گوډ کې د افغانانو په کولتوري مرکزونو کې وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډیر شپیگل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیټیک مجلې ته ورته وده وکړي.
د دعوت خپروني نوویشتمې کالیزې په ویاړ:
زه د یو لو ستونکې په توگه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومې یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډیر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مې کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکي وایم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زما په اند د چاپي رسنيو خپرنيزخبريال بزګر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ګڼکه دي، چې په کډوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او بريالي توګه مديريت کړي او تر ډيره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزګر ته د وياړ او خوښي ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډيرو اقتصادي ستونزو او لږو مالي مرستو سره سره د افغانانو د ګډوالي په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تګلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک ګرځيدلی دی. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټولني لوړ پوړي پرګنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو ګډ کور ګڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم ګټلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸-۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهؤ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۀ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library

می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسَان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهء زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندۀ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهء آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library

نخبه گانی استند که مایهٔ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهٔ خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهء حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهء منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزگر وقتی قدم به سن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هزاران تن دیگر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حالی که ۲۱ یا ۲۲ سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور ناروی به حیث یک مهاجر افغان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناوری برخوردار شد، و در رشتهء کمپیوتر و میدیا و کمیونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خویش را تقویت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته است که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشور های

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.
به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.
با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.
آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ښکلې مجله او ښکلې پاڼه

عبدالغفار جُبیر

د ((دعوت)) مجلې او ویب پاڼې مؤسس ښاغلی مشر- ورور محمد طارق بزگر صاحب هغه څوک دئ چې د لومړي ځل لپاره یې زما لومړی اثر (ما ولې اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لګښت سره په ۲۰۱۰ میلادي کال کې چاپ شو، که زه په لنډو کې درته ولیکم: ((ښاغلي بزگر صاحب زه لیکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ یا ۹ کاله مخکې دعوت ویب پاڼې ته لیکنې لېږلې، چې کله به مې یوه لیکنه ولېږله، د دوهمې لیکنې لپاره به بزگر صاحب تشویق راکړ، او وبه یې هڅولم چې بله لیکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساینسي- څېړنې ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سویډن کې تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزگر صاحب ته دې الله جل جلاله په دنیا او آخرت کې پوره عوضونه ورکړي. (امین)

د ښاغلي محمد طارق بزگر صاحب ښکلې ویب پاڼه چې مخکې د (افغان سباوون) په نامه او بیا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره یوه هر اړخیزه او معلوماتي ویب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکې همدغه ښکلې پاڼه اقلاً په ورځ کې څو څو ځلې ګورو؛ دا ځکه چې داسې لیکنې پکښې شتون لري، چې په نورو ویب پاڼو کې نشته او بې بېلګې دي. اسلام، سیاست، ساینس، سپورت، تاریخ ، د نړۍ هیښونکي او هر ډول لیکنې، کتابونه او ویډیو ګانې پکښې شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولې پیغام، د نېکمرغۍ ولولې، د سکون ټکور، د پرمختګ لارې چارې او داسې نور اړین توکي پکښې پراته دي، نه یواځې د هغو افغانانو ولولې او احساسات منعکسوي چې په لویدیځ کې اوسیږي بلکې د ګران هیواد افغانستان ورځنۍ تودې پیښې او ناخوالې هم پکښې رانغښتې دي، چې همدا د دې ښکلې پاڼې یوه ځانګړتیا ده. د بزگر صاحب په دې نړیواله پاڼه کې علاوه له دې څخه چې افغاني او اسلامي لیکنې خپرېږي بلکې ازادې لیکنې هم سته، چې کېدای سي همدغه لیکنې په ډېرو ویب پاڼو کې شتون ونلري، چې مطلب مې دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دئ چي بزگر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورنـاليزم د اصـولو مطـابق د بيـان ازادي يـې هـم پلـې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستې او يا يې هم لولو، هـم خـارجي مجلـې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هـر اړخيزه مجله ده.

بزگـر صـاحب مـوږ د ((دعـوت)) مجلـې هـره گڼـه را ليـږي. کلـه د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسې گڼه گونه جـوړه سي چـي بيـا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيـا يـې تـر ملگـرو او دوسـتانو پـورې رسوو، چي لـه دې ښـکلې مجلـې څخـه مـوږ هـر څـه لکـه: سياسـت، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړيدي. که زه پـه دا هر څه په يوه جمله کې را ونغاړم نو زه ويلای سم ((د دعـوت مجلـه او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعـارف دی.)) الله جـل جلالـه دي و بزگـر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چي همدا ملی وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او نانندریو ډک تاریخ کـي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزګـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساسـاتو د بیـانولو، څرګندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخـه د عـامو ولسي-وګړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـۍ پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایڼ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري ګټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزګر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترخنګ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنۍ خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه څیړنیـزه سیاسي ټوله به لمړۍ چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یی هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترګو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج ګڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانګی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی ګټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلګونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک ګـرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وو. ولس مو په مختلفو گاونډيو او اروپايي هيوادو کي د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندی بوري شوي وی، ناوي کونډې شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کی د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راديوگانو خبرونه اوريدل هم مرگوني جرم گرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنيټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغيړنو او ناندريو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنۍ د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مشال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرگنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او گواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنۍ د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنيټي دوران کی يی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او نارويژی ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنيټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يی د انټرنيټي خپرونو له لاري په نړيواله توگه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي گامونه اخيستی، د هيواد د ملي گټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنی روحيه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کی د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اویا مي یی انتهر نیتهي لیکني تعقیب کړي، په هیڅ یوه کي یی هم د هیواد سره د میني او د خپلو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي ځرګندی شوي، بلکه په یوه متحد پلیټ فارم د ولس د راټولیدو دروند مسؤلیت یی په غاړه اخیستي او تر اوسه پوري دغه دروند مسؤلیت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ایښوونکي مسوول مدیر، محترم محمد طارق بزګر ته د دغي ملي خپروني د ۲۹مي کلیزي په مناسبت د زړه له کومی مبارکی وایم او د الله تعالي نه ورته په دي اړه د لا زیات توفیق غوښتونکي یم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹ کاله دعوت وشو، خو
زمونږ د وېښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله یعني د یو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼي دعوتي او د وېښتابه او د اذهانو د تنویر ماموریت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن میاشتني مجلې او بیا د اقتصاد میاشتني مجلې د مدیر مسوول په حیث مسوولیت درلود، راته معلومېږي چې د ټولني د بیدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې درونډ، له مسوولیت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټیم يي پوره ۲۹ کاله طی کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدرداني وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلې شخصیت قلم او پیام پیاوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړي چې د غفلت له خوبه راوېښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سیال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه يي په څو مرحلو کې څېړلی شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغوني او تحمل پیامونه پکې کم چلېدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړوني په هکله بحث کول، ډېر اوریدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې یو روڼ آندی قشر-وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پیامونه کم او د وطن او وطن پالني پیامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بیا هم د وطن او وطنپالني سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د لیکوالانو قلم نه چلیده. محدودیتونه هم پریمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن لیرې و خو مخاطبين يې په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کي تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کي د وطنپالني تر څنګ، خپله بي طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره یې ښې ډېرې مقالي خپرې کړې.
(۳) تر سپټمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تاریخ کي د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کي د افراط تر حده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کي دوه درې پدېدې د بحث وړ دي. اول دا چي رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسي بصري رسنۍ او تلویزونونه ډېر شول. پدې رسنیزه وسایلو کي خو شوقي او تفریحي برنامې ډېرې دي، خو د خردمندۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکي ډېر کم خپاره کیږي.
پدې حاضر دور کي خواله رسنۍ، تویتر، فیسبوک او... هم پرې اضافه شول، چي د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسله یې ختمه کړه؛ بې بندوباري یې وزیږوله، د حق او باطل، د سهې او غلط او د ګټور او مضر پیام او خطاب تفکیک یې مشکل کړ.
بل دا چي پدې مرحله کي د چاپیزو رسنیو، یا پرنټ میډیا، نقش ډېر کمزوری شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه په ډیجټل بڼه واوښتل.
پدې حاضر دور کي دعوت او بزګر، دواړه ښه چلیدلي. د تیرو ۱۶ کلونو تسلسل مې په چابکه توګه وکتو، واقعاً ډېر عالي پیامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښې تګ شوی، ابله بازاري او اپلت پیامونه او مقالي قطعاً ندې نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کي د سولي غوښتونکي، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.
د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کي د هنر برخه هم ښکلي اثار لري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .
د دې ټولو معنا دا چي دعوت د عصر په ژبه ښه پوهیږي، اعتدال او معقولیت ښه ساتلي شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.
سپارښتنې:

(c) ketabton.com: The Digital Library

سپارښتني مي هم مختصره دي. ويپ پاڼې کې دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توګه هغه کتابونه چې ژباړې ته ضرورت لري. د امريکا او اروپايي سياست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه يې ترسره شي او بيا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سياسي بصيرت په برخه کې به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چې که دعوت د مهالنۍ يا فصلي مجلې په حيث په عصري او رنګه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنيو صنعت او د مطالعې کلتور به ادامه پيدا کړي.

ډېر خلک انټرنيټ ته لاسرسی نلري، او يو زيات شمير خلک په پوهنتونونو، انستيتوتونو او مکتبونو او مدرسو کې دي. دوی بايد له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چې خدای مکړه بيا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلويښت کاله يې دوام ومونده؛ وطن يې هم ړنګ کړ او دوه ميليون وګړي پکې شهيدان شول؛ ځکه نو تاکيد کوم چې مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مينه وال يم، چې له دعوت مې ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنياد حق لري چې امتنان يې وکړم.

له چلونکي ټيم، مشرتابه او د ليکوال غړو له ډلې څخه يې... رښا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلېو زحمتونو بدله په دنيا او آخرت کې درکړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روښي کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.
۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دریم ټولګۍ ته بریالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدایه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښین اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدین افغان لیسي یا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه یادېږي. دا چي د دې تعلیمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئي څارونکي تل د همدې ادارې وه. یوه ورځ یو څارونکی له یوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئي د بهرني تر مخ د یو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دودیز سبک له مخه د پښتو کتاب د یوې پاڼې د متن ویلو وویل؛ چي باید په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وویل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼې یاد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئي راته وویل چي له دې مجلې څه ووایه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وویل، ټولو ته ئي خوند ورکړ؛ کرښه کي لیکل سوي:
((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وايي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئي وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.
وروسته څو نور ټولګیوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.
ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئي انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم یوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د ځو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندی ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم. اټکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت

(ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد
نلری د یوې لارښود په حیث خپل رول لوبولی دی)
شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پـر بنیـاد د خپـل ژونـد لارې ټـاکي او د خپلـو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تیروي. ویښ انسانان، قومونه، ولسـونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات یي د حقـایقو پـر بنسـټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلـوړي، پـر خپلـو ځـانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.
که په تیرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه یو له بل سره پرتله کړو نو په ډیره اساني سره به ووینو چې هغه ولسـونه چـې د غلطـو معلومـاتو ښکار شوي دي نو یا خو یي نوم او نښان ورک شوی دی او یا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تیروي.
که چیرې مونږ د افغانستان دې تیرو څو لسیزو ته یوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمـونږ تـر غوږونـو تـر ننـه پـورې رارسیږي ترینه تر څومره د پردیو ګټو دپاره استفاده شـوې ده او څـومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځیدلی دی.
د دغو ټولو حقایقو په نظر کـي نیولـو سره بایـد ووایـو او دا ومنـو چـې معلومات او رسنی زمونږ د ژونـد او مـرګ سره تـړلي دي. دا بایـد ومنـو چې سپیڅلي ژورنالستان همیشه د خپلو پرګنو او ملتونـو ګټـې لـه خپـل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښـې وینـي. نو ځکه په ډیرو ځایونو او حالاتو کښې دغه سپیڅلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضمیره انسـانانو د توطئـو ښـکار شـوي، پـه زنـدانونو کښې غورځول شوي او ډیرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.
ښاغلي محمد طارق بزګر هم یو له هغو سپیڅلو ژورنالسـتانو څخـه دی چه خپل ټول عمر یي د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز یي په هر ځای، هر وخت او هـر حالـت کـي ژونـدی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دا یوازی نه چي یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چي خپل هیواد نلری د یوې لارښودې په حیث خپل رول لوبولی دی.

کله چي زه د لسو کالو په عمر کي له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلي کورنی سره وشړل شوم او بیا وروسته د اروپا او امریکا ښارونو کي سرگردانه او له خپل ټاټوبي او ولس ځخه نا خبره گرځیدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څیر نورې ملي خپروني وې چه ما ته او زما پر څیر میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیواد کیسي کولي او زمونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ یواځي دا نه چي د خپل هیواد له حالاتو خبریږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کي د خپل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، هیڅکله د چا د تاثیر لاندي
نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بیمار ننګرهاری

د دعوت جریده د خپل تاسیس له ورځي څخه بیا تر نن ورځي پوري د ګران هیواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره ډیرې هلي ځلي کړیدي او کوي یې. دعوت هر مشر ـ او کشر ـ رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسي په ملکونو ګرځیدلی، او د هغوی افکاریې راټول او بې له تشبثه یې نشر کړیدي.

د دعوت وظیفه د هیواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو ویاړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي.

دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کي قیام کړیدی او په دغه لار کي بې له ویرې مخ په وړاندي روان دی.

دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړیدي او هیچا ته یې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه یې چې لیدلي هغه یې رسوا کړیدي. دا وزینه جریده د هیڅ فاسد حاکم او جنګسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال یې په میړانه او مردانګۍ رسوا کړیدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کي په میړانه وجنګید او د خپل ملت په راویښولو کي یې پراخه ونډه اخیستي ده، او تر هغه وخته وجنګید تر څو چې سور استعمار په شا تګ ته مجبور شو.

دعوت د ګاونډیو هیوادونو لاس وهني غندلي، او په تیره بیا د ایران اخوندي نظا م ته یې په هیواد کي د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړیدي، همدارنګه، هم یې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډیورند د کرښي په شا وخوا د اغزن سیم په ارتباط د پښتنو د حق خودارادیت موضوع په کلکه ذکر کړیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د پښتونستان د مسئلي د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پالیسۍ سخت پلوی دی. په ګران هېواد افغانستان کي د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یي هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یي وطنوالو ته دا ثابته کړیده چي دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کي به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.
په هیواد کي همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستۍ غږ یي او حرکت یي ژوندی ساتلی دی. او هر کله یي چي بی روا او بي عدالتي لیدلی ده هغه یي رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منډې تړري دي چي دعوت لا هماغسي-ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یي د هیواد تکړه شاعر ګل پاچا الفت صاحب داسي وایي:

سرګردان وي په جهان هغه مړونه
چي د خپل وطن غمونه یي په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کي په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زیات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ ویاړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

میرمن شکریه بارکزۍ د دعوت
د ۲۹مې کليزې په وياړ

ش. بارکزۍ:
زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ. ډېر وخت نه کيږي چې زه ووايم چې د دعوت لوستونکې يم. اول غواړم چې مبارکي يې تاسو ته ووايم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوري فعاليت د هېواد نه د باندې ډېر سخت دی، ډېرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې يې هم لري، خو بهر ډېر دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې يو نوی نوم او يو نوی فکر سره اشنا کيدم. سربيره پردې چې هغه پخواني ليکوالانو، شاعرانو او سياستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډېر د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پريږدئ چې لږ رښتيا هم ووايم.
بی بی سی فارسي چې وينم، کله ناکله فکر کوم چې ولې دا د ايران خلک هر چيرته چې دي د پوهنتون استادان دي يا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مگر ستاسو نشريې دا راته وښودله چې نه، موږ يې هم لرو، خو متاسفانه داسې چينلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظريات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان ليکوالان ستاسو د نشريې له خوانه معرفي کيږي. دا زما له پاره ډېر د خوشالۍ ځای دی يا کيدای شي چې زه ډيره د خارج نه ليرې وم، دننه وطن کې وم نو ډېر به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هيواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم يو کلکسيون د افغانستان د گټو او ملي شتمنيو، څيرو او ملي څيرو نه دی چې بايد درنښت يې وشي او بايد خلکو ته وروپيژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په څغاسته تيرېږي، لکه پرون داسي مي په ياد شي چې په پېښور کې د دعوت د خپرونې د بنسټګر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چې زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جريدې د لومړنيو ګڼو څخه يوه کاپي راکړه. په هغه وخت کې ما د افغاني جريدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره يې تنظيمي وې چې يا په خپلو تنظيمي لاپو پټاکو او يا هم د جنګ او جګړو په ترويج، تشويق او تشديد څرخيدې، د هيله مندۍ مطالب په کې کم و. زما په څېر يو زلمی کډوال ته چې لا تر اوسه يې زده کړې نيمګړې او راتلونکې يې نامطمين مګر هيلې زياتې وې ناهيلونکي وې. مګر د دعوت په جريده کې مې برعکس هغه څه پيدا کړل چې مايې لوستل غوښتل:
د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظريات او د داسي ملي شخصيتونو سره مرکې چې د کډوالۍ په چاپېريال کې په نظر نه برېښېده مګر نومونه يې آشنا او هيلې ورته زياتې وې.
په ټوله کې جريده په ملي موخو څرخيده لکه سوله، ملي يووالی، ملي شناخت، ملي حاکميت، دې موخو ته شته ګواښونه او فرصتونه او هيواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.
په ۱۹۹۱ ميلادي کال کې زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کې نه انټرنېت و نه ازرانه موبايل تيليفونونه او يا د اړيکو نورې اسانه وسيلې. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکوريدو سره د غرب لپاره په افغانستان کې نور د علاقه مندۍ څه نه و پاتې؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جريدو، اخبارونو او مجلو کې په خبر يا مضمون ارزيده. مګر په افغانستان کې خبرونه ډېر او اکثر يې د انديښنې وړ وو.
د ډاکټر نجيب د حکومت وروستۍ سلګۍ وې او د جهادي تنظيمونو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يې د قدرت پر سر د خونړي پړاوو

(c) ketabton.com: The Digital Library

تياری نیولی. په داسي وخت کي همدومره چي په ګران هېواد کي پیښي دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېریوالی او بې خبري.
نـو د هېـواد د حـالاتو سره د نـږدې پـاتي کېـدو لپـاره مـې د دعـوت د جرېدې سره اړېکي اړیني وبللي. ښاغلي بزګر صاحب ته مـې لیـک او خپل ادرس ولېږه چي په پیرزوینه یې له هغي وروسته د دعوت جرېدې په مسلسـله توګـه راسـتولي او پـه دې توګـه یـې د ګـران هېـواد د ترخـه تاریخي پړاو سره نږدې وساتلم.
زه د دعوت خپروني د ۲۹مې کالیزې په مناسبت څخه په ګټـې ښـاغلي محمد طارق بزګر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه یواځې مـا سره د دوی د ځانګړي پیرزویني بلکي همدارنګه د هېـواد د تـاریخ پـه ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډګر کـي د دوی اغیـزمن تـاریخي مسولیت او رسالت د ښه ادا کولو له کبلـه د زړه لـه کـومې مننـه کـوم، د لاسته راوړنو یې ورته مبارکی وایم او د هسک څښـتن څخـه پـدې او د ژوند په نورو چارو کي لا زیات بریالیتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او کـه هېـر شـوي مـې نـه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شـوې وو. پـه هغـه وخـت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چـې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنګ به له پېښور څخه خپرېـدې. په لندن کې د ستميانو ورځپاڼـه (اميـد) تـر هغـه وختـه او تـر څـو کـالو وروسته پورې داسـې نشرـيات درلـودل چـې نـه ورتـه افغانسـتان، نـه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلـود. د دوی همفکرانـو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کـې چـې لا هـم جنګ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.

نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې پـه افغانسـتان کـې د روان جنګ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېږي. دعـوت له کوچنيوالولي نه په بيړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپـالو پـه مقابـل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و ګرځېده. محمد طارق بزګر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعـوت چاپـاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپـا تـه اسـتوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی بـه هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقـې ډېـره برخـه د جريـدې پـه نشرـولو او پُستولو باندې مصرفوي.

د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعـوت د لاسي ليـک نـه چاپي ليک ته ورسېده او د پُسـتې پـر ځـای د انټرنېـټ لـه لارې لا هـم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.

څو کاله وړانـدې محمـد طـارق بزګـر پرېکـړه وکـړه چـې يـو انټرنېټـي تلوېزيون منځ تـه راولي؛ څـو د نـړۍ پـه ټولـو برخـو کـې افغانـانو تـه د دعـوت لـه جريـدې نـه لا ښـه او پـر وخـت خبرونـه او پروګرامونـه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروګرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له اېډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.
زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونګرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.
محمد طارق بزګر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنګ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه ګرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنګ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجله نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېرى او را پاتي کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنګ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درګومې کړاونو باندې له هر نظره څېړني شوې دي.
زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزګر صيب تر څنګ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هېرېدونکي مقامونه ګټلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزګر صيب ته دې الله ج توفيق ور کړي چې د دعوت ځيني تاريخي فايلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر يم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هيلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
نهه ویشتمه کلیزه دې مبارک وي

محمد نقیب تره خیل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایـې چـې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګري کې وفادار پاتي کیږي.

زه له ۲۰۰۱یوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صیب سره د تلیفوني اړیکو سربېره دوه دري پلا کښېناستلي سره هم یـو. احساسـاتي جذباتي او د باجګیرۍ خبري چـې هېـواد، ولـس، قـوم، ژبـې، دیـن تـه خدمت کوم هیڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خـدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصـیت یـې د فضـلیت، تقـوا او د ښـو اخلاقو ثبوت دي.

کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:

که څوک له چاسره پدې نېت ښـه کـوي چـې یـو وخـت بـه یـې بـدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مینه کوي چې خلک مې وستایي، دا هم اخلاقي عمل نـه دی. اخلاقـي عمـل هغـه ده چې د ځان د خوښي او ګټې عمل په کې نه وي.

د صبر او حوصلې په اړوند به له بزګر صېب سره د شـوي عمـل یادونـه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زمـا د پوښـتني پـه ځـواب کـې داسې وویل:

افغان کولتـوری ټـولني کـولن کـې غونـډې تـه بللـی وم. د دعـوت یـو ګډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګـډون روپـې دی راکړي. وېې ښیه! ښاپسته ځنډ وروسته راغې. له یو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ یې راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خیست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځاي پنځه ګون ورکـړی، هاغـه هـم د سوالګر په څېر.

هو؛ د قناعت نښه یې دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره یـې نه د چا ملاتړ او نه یې د چا مخالفت کـړی. د وینـا تـر حـده عمـل یـې

(c) ketabton.com: The Digital Library

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلگرو د هغوي د گوډاگیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله گرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یی د زړه ورتوب نښه ده.
پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یی کولتوري ټولنۍ په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یی وکړې، مجلې یی راوویستی، سایټونه یی جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یی ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاینان، جنایتکاران او فاسده ادارې یی نوموله. سره لدې چې د ښاغلې بزگر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندگلوی امکانات یی هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپیڅلتیا په وړاندې هېڅ وگڼل نو ځکه د پرگنو ترڅنگ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ بانـدې تـل پاتې وفادار لري چې هر رېښتنی افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره له ماشومتوبه اشنا یم. هغه مهال زه د هجرت دیار د نوښار سیمه کې د جلوزو پر سړک په یوه کمپ کې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزګر صاحب تر کلیو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بیا چې ځوان شوم، انټرنټ سره اشنا شوم، لیکنې و ژباړې مې پیل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه یو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کې د سترو لیکوالو ترڅنګ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنايي اوږده شوه او تر دې ځایه راورسېده او لا پر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښکاري. یوه دا چې له هماغه پیله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو لیکوالو لیکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نګارګر، هاشمیان، ځیرکیار او نورو سترو لیکوالو او پوهانو سره یې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانګړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نن سبا خو د هرې رسنۍ پر تندي د ((ازاده او خپلواکه)) شعار لیکل شوې، خو تقریباً هره رسنۍ د یوه جهت له لورې تمویلېږي او د نورو نظرونو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نه ده. دعوت کې رښتیني ازادي شته. زه تل دوستانو ته وایم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای یې دعوت دی.

د دعوت تر شا ایکي یوه سته ده او هغه طارق بزګر صاحب دی. بزګر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً یو محترم او د پراخې سینې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلینو د مجلې مسوول، بزګر صاحب راته څو وار په خپله ویلي چې د محصلینو د مجلې د دغې ګڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د یوه کتاب د چاپ لګښت یې په خپله غاړه اخیستی، تر څو د سید جمال الدین په اړه دغه

(c) ketabton.com: The Digital Library

لیکل شوی کتاب په ټیټه بیه د خلکو لاسونو ته ورسېږي او د هغه په اړه پوهاوی زیات شي.
بزگر صاحب، فرهنـگ دوسـته سـړی دی او د خپلـو وطنوالـو د علمـي پرمختگ له پاره يې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.
بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه يې احترام کوم او هیله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څېر نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د خپروني او ويبپاڼې په هکله يو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ويساند

وروستيو نږدې څلورو لسيزو پرله پسې غميزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زيانونه واړول. نيم ژوبله توليدي بنسټونه يې په بشپړ ډول ويجاړ، کاري بشري ځواک يې له هېواده د يو زيات شمير په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنيزو رسنيو (ميډيا) چارې (چاپي، انځوريزې، غږيزې)، چې د دولت د درې گونو قواوو (اجرائيه، مقننه او قضائيه) وروسته په سياسي، ټولنيزو، کولتوري او اقتصادي ډگر کې د سمې او په واقعيت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د يوې څلورمې قوې په توگه د ټولنې د پرمختگ او رښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانگړی اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړ.

خو د خپروني گټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هيوادونو کې ميشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هيوادنۍ مينې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوريزو او غږيزو خپرونو له لارې د خپلو شونتياوو، وخت او شرايطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت ميډيا، چې په پښتو، دري او انگليسي ـ ژبو خپروني لري او اوس يې ۲۹ يمه کليزه لمانځل کيږي، د يو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهې سمبال، با تجربه ژورناليست او په خپلو خلکو او هېواد مين شخصيت ښاغلي محمد طارق بزگر له خوا د پراخه هلوځلو او زيار وروسته په کار پيل وکړ. په دغه تيرو کلونو کې يې نه يواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډگر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تيريدو سره يې د يو لړ نوښتونو په راوستلو د ويبپاڼې بڼې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وبښله، چې د خپلې ځانگړني له کبله د ډېرو معتبرو ويبپاڼو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت میډیا، نه یوازې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه په زړه پورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنېز ژوند د بېلابېلو فننو پورې تړلې علمي او اکادمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولنې د پرمختګ سره مرسته کوي، ځانګړی ارزښت لري.
لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورته کړي اوهم یې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.
دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپل وار د افغان ټولنې د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوریو په راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپالو او ملي ګټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نورو منفي پدیدو په وړاندې مبارزې ته د ټولنې د رښتینو بچیانو په راویښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.
زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انټرنیټي تکنالوژۍ د نړیوال کېدو له برکته سره نږدې شوي او ښېولوشوي دي، د د عوت میډیا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نړدې او لېرې پرتو سیمو اوسیدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولې دي.
خو له بده مرغه زمونږ د هېواد یو زیات شمېر بې وسوه افغانان د اقتصادي او امنیتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انټرنیټ ته د نه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.
د دعوت میډیا له لارې نه یوازې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسري سولې د ټینګښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځېزو چارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړاندیزونو د خپرولو اغیز یې هم له پامه نه شو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپرونې د کلیزې مبارکي وایم اود لا ډېرو بریاوو په هیله یې.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا څېړونکي په نوم یوه جلا کړکۍ، چې د تېرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړیني موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د نهه ويشتم خپرنيز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پيل نه راهيسي، مهاجر افغانان چه د نړې په مختلفو هيوادونو کې يې تيت او پرک ژوند له سره تيراوه د لاندې دوه دليلونو په بنسټ يوې اغيزمنې مطبوعاتي کميونيکيشن لاسوند ته اړتيا ليدل کېده:

ـ خپل منځي اړيکي د تامينولو په مقصد
ـ د وطن د حالاتو نه خبرتيا

دغه اړتيا د افغانستان نه د باندې افغاني ميډيا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړيو کلونوکي د نړي په ګوټ ګوټ کې بې شميره خپرونو په کار پيل وکړ چه زياتره يې د بهرنيانو له خوا تمويل کيدلې. د وخت د تيريدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزوني د فلتر نه تير شو؛ يوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ـ د تمويل ډاډمنې سرچينې
ـ مسلکي مديريت
ـ تکړه قلمی همکاران
ـ د لوستونکو هرکلي.

د افغان مهاجرينو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لږو خپرونو څخه ګڼل کيږي چه د نوموړې معيارونو په بشپړيدو، توانيدلې نهه ويشت کاله عمر وکړی.

دعوت د هيواد د اوږدې غميزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاريخي شخصيتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پيکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مينو افغان شخصيتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتني او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړې توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلې د باوري وثیقې په توګه پیژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمینه برابره یې کړې ده. د ژبې، قوم، سیمې او مـذهب د تعصبونو په وړاندې د ټینګ ملي مورچل د دریځ نه د مقـابلې جوګـه شویده او د افغانـانو د سـیاسي شـعور د ودې پـه اسـتقامت یـې اوچـت ګامونه پورته کړیدي.

د پیژندل شوې قلمي همکارانو سره اړیکې، په پښتو، دري ژبو خپرونـې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمـو وروسـتي خبرونـو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د یو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت مبارکي وایم او ورته د هیواد په خدمت کې د لازیاتې هڅې او زیار هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو کی لوی رول لوبولی دی

فهیم نظیمی

ما د ښاغلی بزگر صاحب سره ډیر کلنونه پخوا په یوه میلمستیا کی په لندن کی ولیدل او په تصادفی توگه اشنا شوم او له همغې ورځې د دعوت ویبپاڼی او مجلی دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسی د ښاغلی بزگر صاحب ورځپاڼه زما د هیلو، نظریاتو د خپرولو، وطنوالو او نړیوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسیله گرځیدلی ده. د ده مسلکی پوهه او هاند او زیار د دی باعث وگرځیدل چی نوموړې ورځپاڼه چاپی او رسانه یی خپرونی وکړي او ډیر زیات مینه وال پیدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو په ټینگولو او نړی والو ته د افغانستان د حقیقت او واقعیتونو په رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کیږي چی ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب او د ده ټیم شپه او ورځ په پوره ایمانداری او مسلکی مهارت او لیاقت کار او زیار ایستلی او لوی مطبوعاتی او ژورنالیستیکي خدمات یې په پښتو او انگلیسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خورا زیات د قدر او ستایلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډیرو کمو اقتصادی امکاناتو تر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنیتی سایت او فیسبوکی خپرونی اوس جهانی شهرت موندلی او خورا ډیر مینه وال لری. زه فهیم نظیمی د ښاغلی بزگر صاحب د زیار، هاند، لیاقت او مسلکی پوهی او د وطنپالنی د عالی روحیی په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وایم او ویاړم چی ښاغلی بزگر صاحب او د ده ټیم دا ټول صفات په تیرو څو لسیزو کی د عمل په دگر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدایه ورته د لا بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د انسانیت

بېکسیار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانګو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وایي ((یو شور یې د شهرت و چې شوم پېښ په پېښور))، هغه وخت په رښتینې مانا کابل ته مخاطب کېدای شوای. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشینیو داسې په غېږ کې اخیستی وم چې ستړیا او بې خوبي مې هډو پېژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروايي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرګ، شیدو وچېدو یا کومې ناروغۍ له وجې په درې میاشتنۍ ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پارسۍ کې دغه ماشوم ته شیر سوخته وایي.

هو البته یو څيز چې له کابله بیا تر پېښوره، او بیا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زیات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستیا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې ګوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له ګوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. یو کس به چې یوازې یو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به یې در سره سټړي مشي، خواره مشي وکړه نو دریمه ورځ به یې ضرور دیوې ډلې، ټپلې، نظریې او عقیدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترینګلی شو، یاني له بده بد تر. په پېښور کې که له یوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، یا د کوم اردو یا تنظیمي اخبار د کتو او یا په قصه خوانۍ کې د مرګ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بیلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابلیان یو عجیب مالګین طنزي ډیالوګ لري:

ـ ولوېدې؟

ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ ژوبل شوې؟
ـ نه.

اوس نو زه داسي لوېدلی وم چي د خوږو بیان یي نور هم په ناسور زخم د مالگي پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه یو همژبی، نه یو کلیوال، نه یو دښوونځي یا پوهنځي ملگری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشیني، هېڅ هم نه، ابی مړه تبه شلېدلې.

د نهیلۍ، غم، درد او کرب په دغسي توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروایي حالاتو کي، د اروپا په دائیم الدائیم تورو ورېځو، یخونو، بارانونو او ځول کي چي ښایي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسي یو دوه گامه ژوندون لنډول
د اروپا زنده گي څه زنده گي؟

څه گورم چي یوه ورځ بیا یو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چي وایي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غوندې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسي راغلل، خو چي مي پرانیست او ومي لوست، کیسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپیر درلود لکه بېخي له کومي بلي سیارې او د ځمکي له کومي بلې جلا کرې چي راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ایزم دعوت و، نه د کوم گوند، نه د کومي ډلي او نه د کومي ټپلي.

دغه دعوت د افغانیت دعوت و، دغه دعوت د اسلامیت دعوت و، دغه دعوت د غیرت، ننگ، ناموس، حیا او د وطن د مور د پړوني دعوت و.

دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، میندو د لوپټې دعوت و چي: چایي پلو لیدلی نه و.

اوس د جمرود په غاښي ځي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه یوه تر سکونه وطني وږمه راتله، چي پکي د ممانو، گور گورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني ختکیو، بغلاني هندوانو، قنداریو انارو، جوزجاني پستو او خوستیو جلغوزو رنگونه او خوندونه لکه د گوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فیلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لـدې چې د هـرې ګڼې پـر تنـدي لیکلې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا توي دومره په ځان یمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسیزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او پـه وطـن مینـو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت پـه وینـا: وخـت د اعتراف دی ګونا خپله درته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانۍ، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولګـه یـا د هیلـې مجلـې کومـه ګڼـه مـې، هغـه هـم د چـا پـر لاس ور لیـږلې وي والله اعلـم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره یوه ګڼه، نه یوازې یوه ګڼه بلکـې د یـوې ګڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخـامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خـبر چـې زمـا پـه شـان به یې په لسګونو او سلګونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼـې رسـولې دي د دعوت کلیزې په ویاړ ښاغلي محمد طـارق بزګـر، ډاکـتر محمـد فریـد بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخې مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسـا لـرې او ازانګـه یـې د افغاني رسنیو په ټولي کې مه کموې. امین، ثم امین!

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دعوت سره د ملگرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مي چې دوه اونۍ وړانـدې ښـاغلي او مـنلي ژورنالیسـت درانه ورور محمد طارق بزگر راته په نـږدې راتلـونکي کـې د دعـوت د ۲۹ مي کلیـزې او پـه هکلـه یـې د نظـر او یـا څـه لیکلـو پوښـتنه مختـه کښېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د بڼې او منځپانگې له مخې به لـه مـا سره د دعوت چاپي بڼې په شتو څو گڼو او همدارنگه د دعـوت وېبپـاڼې پـه هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، څپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پـاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې لـه پورتني درانه پېټي اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تـیراژ درلودونکي چاپي خپروني او په شـپه او ورځ کـې د کـم و ډېـر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې ځیرمنـه او بـې پـرې ارزونـه بـه نـورو دوسـتانو هرومرو کړي وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېـدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستای شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسي او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبـي زده کـړو د وروسـتي کـال وروسـتۍ میاشـتي مـو وې، زمـوږ د ټولگیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېـره بیـا د وروسـتي کـال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشر ـ مـلا صـاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه گټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان تـه انتظـار ؤ.

یو عجیب و غریب ترینگلی او نـا هیلـی حالـت منځتـه راغلـی و، ټـول ټولگیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کـړې وې، یـو لـه بلـه چنـداني نـه خبریـدو، د اوس پـه څېـر د اړیکـو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکټر صاحب روح الله ساپي او ډاکټر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينګار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترګې پر دعوت خپروني ولګېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هندارو ته سرېښې او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس - ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملګرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د ښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانګو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه–نيمه ګڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلي)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنګي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپېيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانګې يې خوند راکړ، ډاکټر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرګه کړه: ((ولې دعوت دې پخوا نه ۇ لوستی؟ طارق بزګر نه پېژنې؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه راليږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجنير صاحبان اوسېدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورتـه راوړي وي.))

څه موده وروسته چې د خپلې سپېڅلي روږدتيـا او د ځينـې کتـابونو او ضروري موادو د پېرودنې لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو گرځېـدم، نـو د خيبر بازار په ((سعيد بک سټور)) کې مې په دعوت خپرونه بيا سـترگې روښې شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلې غټه تکـه تـوره ږيره يې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله يې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ويل ولې، خير خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مې کولـه چـې څنگه کولای شم ويې وينم، صوفی صاحب چې زما په بې خطرۍ پـوه شو نو ويل ((دا خو ډاکټر صاحب بزگر راوړي، که غواړې زه به يـې د دفتر د ټيليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلې او ورسره ملاو به شې.)) د ټيليفوني اړيکې په مټ مې د پېژنـدگلوۍ تـر څنـگ لـه ښـاغلي ډاکټـر صاحب محمد فريد بزگر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لـومړي ليـده کاتـه کـې يـې د مينې او زښتې مهربانۍ د څرگندولو تر څنگ د دعوت خپروني پـه څـو وروستيو گڼو او همدارنگـه د ORA او KOR نـادولتي موسسـو د گڼـو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکټر صاحب بزگر د ORA له دفتر، د هېوادمـل صـاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، استاد بـاجوړي، عبـدالهادي هـادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويـد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسـيا سـافټ)) لـه دفترونـو مې خامخا د تازه خپرونو د ترلاسـه کولـو لپـاره د کتنـې او دورې هڅـه کوله او تل د دوی له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مې هـم لـه نېکـه مرغـه د دعـوت خپرونـې لـه پـازوال، نومـوتي ژورناليسـت او مهربـان اجتماعـي شخصـيت ښـاغلي محمد طارق بزگر سره تر دې دمه بې اړيکو پاتې شوی نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او منندوی يم. رب (ج) دې يې زمـوږ لـه پـراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم يې همداسې سپيڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د ویاړني یوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسیزې وړانـدې، کلـه چـې زه هـم د زیـات شـمېر نـورو افغانانو په څېر جـلا وطنـۍ تـه اړ شـوم، د برخلیـک څپـو زه د جرمنـي خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلـۍ دوره پـه اروپـا کـې تیـره شوې وه، خو داسې یـو هېـواد تـه راتـګ، چـې ژبـه دې نـه وي زده او وګړي یې انګریزې ژبې ویلو ته هم لېوالتیا نلري، ځینې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تـګ نـه تـر کارومونـدنې پـورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.
هغه مهـال، چـې د نـن پـه پرتلـه ټکنـالوجي دومـره پرمختللـې نـه وه؛ د انټرنیټ او ډیش انتانونو نه شتون هم مـوږ لـه دې نـه محـروم کـړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لویه خوشالي بـه دا وه، که کوم چا ته به زموږ لیک رسیدلی و او د هغوی لخوا به ځـواب را ورسید او یا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسـیدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځینې ورځپاڼې یا بهتره ووایم جریدې تقریباً په منظمه توګه رارسیدلې او تر لوسـتلو وروسـته بـه لاس پـه لاس کیدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چـې پـه یـادې دي: «وفـا» چـې بنســټ ګــر یــې ارواښــاد پروفیسرــ رســول امــین او سرمحقــق زلمــي هېوادمل یې مدیریت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مدیریت، «آئینه افغانستان» د ښاغلي سیدخلیل الله هاشمیان په مشرۍ او «مجاهـد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل پـه مـدیریت.د دغـو ورځپـاڼو پـه لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېودانۍ مینه خړوبیدلـه او هـم بـه اپـډیټ کیدلو.
څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» **۲۹** کلیزه ده، نو زه به هم د دغه رسـنۍ (ورځپاڼې او ویبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کـې پنځیـدلې نظـر وړانـدې کړم.
زما په اند د هرې بریالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کیږي دا په حقیقت کې د هغه رسنۍ د مدیر او کارډلې د بریالیتوب په هکلـه خـبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

که څه هم د لیکوال د شخصیت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځیني بیا له دې نظر سره مخالفت لري او وايي، چې کېدی شي یو څوک ښه شخصیت ونلري، خو ښه آثار یې وړاندې کړي وي.

له نیکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدیر ښاغلی طارق بزګر پېژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابیږي، چې هم دروند شخصیت لري او هم درنه او بریالۍ رسنۍ چلوي.

یو څو ټکي د ګران بزګر صیب په هکله:

ډېر اجتماعي او د اړیکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه یې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورنالیستیک کار، له حسد او دښمنیو نه لیرې او بس هسې خوږ انسان.

یو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هیڅکله یې ژېړ ژورنالیزم ته مخه نکړه؛ د پیسو او نورو امتیازاتو لپاره یې څوک بې ځایه ټارګېټ او سپک نه کړل. تل یې ملي ګټې په پام کې نیولي او په هېواد کې د خیانت، فساد او ملي خائینیو پر وړاندې یې د مبازې بیرغ تل اوچت ساتلی.

ګران بزګر صیب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کلیزې او بریاوو مبارکي وایم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د ملي ګټو او بيان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کليزې په وياړ!

تر نورو خبرو مخکې اړينه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کليزه او په راوروسته کې د دعوت بريښناپاڼې سپګنيزه او بريالۍ چلونه قدروړ او ملي شخصيت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بيا ليکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپروني او بريښناپاڼې سره همکاري لري او اړيکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووايم.

له هېواده ليرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېريال او نيشت امکاناتو، د خپروني د وسايلو او تخنيک د تيارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صيب ۲۹ کلن قلمي او پوهنيز زيار چې مهالپير يي تر ننه پورې د يوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه يوازې د ستايني او قدروړ دی بلکې د هېوادپالني يوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل يې بايد هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپروني ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او يوازې ځينې مې لوستې او بريښناپاڼې سره له پيله اړيکه پالم، خو سړی ويلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بريښناپاڼه د هېوادپالني په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بيان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بريښناپاڼو پريماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بيان ازادۍ سره د بريښناپاڼو او خپرونو چلند يو راز نه دی. يو شمېر يې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورناليزم نور ارونه او ځانګړني ورسره غوټه شي چې زما د ځانګپوهي له انګړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پيچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتيا او د هغو ساتنه او همداراز د بيان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که يوه خپرونه يي ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له يادو ښيګڼو څخه يوه يي پېکه او يا دواړه يي پيکه او يا يي هيڅ ونه لري، څوک يې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځينې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library

مري او اوږد ژوند نه لري او ځینې نورې لکه دعوت بیا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په یادو برخو کې کومه نیمګړتیا ونه لري، خو تر کومه چې زه یې ارزولای شم، په واړو ډګرونو کې په بریا پلونه اخلي او د لا بشپړتیا او پرمختیا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او لیکوالو د لیکنو او لوستلو خوندیځ دی.

دعوت د کیڼلارو، ښیلارو، منځلارو او ګڼلارو لیکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې یې د بیان ازادي ژوندۍ ساتلې ده. تر اوسه زما هیڅ لیکنه چې ښای ځینو به یې د دعوت تګلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه لیکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بریښناپاڼو ته هم لیږم، خو د ځینو نورو ترڅنګ دعوت په ډېر ورین تندي دا لیکنې خپروي چې ترې منندوی یم.

یو وخت ما بلې بریښناپاڼې ته لیکنه لېږلې وه. په لیکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه لیکلې وه، نوموړې بریښناپاڼې چې نوم اخیستل یې اړین نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنګلید په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص یې د ارواښاد تش یوه کلمه قدرې هم پیرزو نه ده!

په پای کې د ملي ګټو او ارزښتونو خبره یو ځل بیا دلته رااخلم. زه خو وایم خپرونه دې د ملي هویت، خپل تاریخ او روایاتو په منځپانګه بډایه وي. که نور ورځچاري رنګارنګ مطالب خپریږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تګلار کې ملي ګټو ته ژمنتیا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مینه زیاتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحیه روزل کیږي او په دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زیاتوي. د دعوت خپرونې چې په دې ګاڼه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکي ته یې نوره پاملرنه هم رااړوم!

دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابریاوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده تقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.
تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.
پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د کتاب په بڼه

پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلي محمد طارق بزګر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزګر دی چې له کډوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروګرام له مخې له وطن نه وتلي وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلې. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه ګڼه مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاريخي ضايعه ده؛ ځكه چې په دغو خپرونو كې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعګانو انعكاس كړى و. په هغو كې د افغان كارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليكلي كلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينګه كيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره كې عامه او شخصي كتابتونونه چور شول، او ډير كتابونه يې وسوځول شول. په هغو كې زما كتابتون هم راځي چې له انګلستان او امريكې نه مې ډير كتابونه ورته راوړي او بيا د كابل د زاړه ښار د كتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او كتابګوټي راټول كړي وو. زما په كتابتون كې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لكه د برتانوي هند حكومت د استخباراتو د څانګې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هكله وه، او بيا ما د خپلې ځيرنې درې كلنې مودې په بهير كې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات كړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو كې شنه پښتي لرله او اضافي ليكنې يې په انګريزي كې زما په قلم دي شايد بل ځوك لوستلى ونه شي.

په كابل كې د طالبانو تر پرزيدلو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن كې د لوستونكو د پاره دي. په داسې حال كې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ كې د دوو لكو په شاوخوا كې افغانان اوسيږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن كې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو كې خپروني كيږي؛ لكه په امريكا كې "آئينه افغان" د ډاكټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په كاناډا كې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمني كې "ګوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايى" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريكې كې "كيوان افغان" د ښاغلى رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې كې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزګر په سروالى، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر كولو توان ښوولى. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلى

(c) ketabton.com: The Digital Library

کيږي او يا ملي نه دي، لکه د "اميد" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې يوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کيږي.
لکه چې ړومبی مې وويل چې شپاړلس کاله کيږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزگر په زيار راووځې په بانديديو ناآشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ايستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ايستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې ځير شي ليکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زيار ايستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزگر يو مثال کيدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش يوه برخه د دعوت په ويستلو باندې لگوي. له دينه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ايستل د پيسو د پاره نه وي او نه هم دا د پيسو گټلو لار ده، هغه هم په بانديديو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگنديږي.
دعوت د هيواد په دواړو رسمي ژبو خپريږي، خو د پښتو پله يې درنه او افاده يې هم معياري ده. په هره گنه کې يو يا ده ليکنې په انگريزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتيا د هغې د ليکنو څنگه والی دی.
ليکنې يې نږدې ټولې د افغانستان د پيښو په تېره د سياسي پيښو په اړه تحليلي دي، مهمې نړيوالې جاري پيښې يې هم په مخونو کې راوځي.
په ليکنو کې يې په موضوع گانو باندې بحث کيږي نه په فردونو باندې.
هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سياستونه به پکې ډانډس کيږي او ټکول کيږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه ياديږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټينگه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په ليکنو کې د فرد حيثيت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپيڅلي نه کڼل کيږي، هغه سپړول کيږي يا يې قدر کيږي يا بېرحمه نيوکې او وارونه پرې باندې کيږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئوليت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت لیکنې نه ننداره ییزې، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحلیلي لیکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډیر علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستیالان دي چې د وطن د پیښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې لیکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زیات عمر کولو توان ورزیاتوي. نو دعوت د یوې ګډې موخې په لور په لویدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ یوه ځرګنده، لوړه او ګټوره بیلګه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان لیکوالانو به یوه بل باندې پیژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کیږي چې حتی د دعوت لیوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزګر وړاندیز کړی چې د دعوت غوره لیکنې د کتاب یا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترینه ګټه واخلی. دا یو بل ښه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره لیکنو ارزښت او پایښت نور هم یقیني او ګټورتوب به یې زیات شي. په دغه ګټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزګر برې غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت او محمد طارق بزګر

ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحیم

ګرانه وروره بزګر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسي ته زړه لـه کـومي تبریـك وایـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو لیکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاریخ او په ځانګړې توګه د تیرو دیرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هیواد او هیوادوالو د سیاسي او ټولنیز ژوندانـه یـوه ډیره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د یو شـمیر هغـه هیوادوالـو چـې د ډیرو ستونزو په ګاللو سره، هیواد او هیوادوالو تـه د خـدمت او خـیر پـه نیت د مطبوعاتو او تبلیغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاریخ یوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تیرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانیت باندې باور او ډیـر صـبر نـه شي تر سره کیدای.

د تیرو دیرشو کلونو راپدیخوا زمـوږ هیـواد د پردیـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو میـدان پـه توګـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډیرو قربانیو او مصیبتونو د ګاللو سره سـګره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصیبت لاس په ګریوان دي. که څـه هـم د نیکه مرغه په هیواد کې دننه تر یو حده دا زمینه مساعده شوي ده چې یو شمیر ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هیـواد نـه بهـر میشـته افغـاني موقوتې خپرونې او الکترونیکـې وسـایل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانګړې وظیفه لري او صبا به یې هم ولري.

د افغان ولس اکثریت او موثرې طبقې ښایي چې د خپـل موجـود لـوی مصیبت د جریان نه د واقعیت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حیث نه یوازې د نـورو ولسـونو او هیوادونو څخه په تجرید کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظیفـه یـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذیبی هویـت څخه د دفـاع تـر څنـګ د بشـري تـولنې سره د سـوله ییـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هویت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هيوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هيواد نه په بهر کې ميشته افغاني ذکر شوی خپروني اصلی نقش په دې اړوند به ځانګړی اهميت ولري.
دا نقش په حقيقت کې په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.
کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هيواد کې دننه ميشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپريدلی، بايد د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو په واسطه هرو مرو هيوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هيواد کې دننه د مثبتو پيښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.
په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپروني د يوې خوا نه د افغان ولس د تنقيدي غبرګون د خپرونې نقش تر څنګ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هيواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينګولو او پراختيا عامل به وګرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني ښو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.
د دې کبله ښايي چې د هيواد نه بهر ميشته افغانان (که د نورو هيوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درنـدې خپروني او نورو په بهر کې ميشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبريك وايم او درته اجر، ډير صبر او توفيق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره زما اړیکه
هلمند پردیس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره په خپلو اړیکو وغږیږم، غواړم د دغه رسنیز مرکز په ځینو ارزښتونو او خدمتونو یو څه ووایم. دعوت خپلواک رسنیز مرکز په حقیقت کې یو خپلواک او د رسنیو په ډګر کې یو بې پرې او ازاد رسنیز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان دردیدلي ولس سره تړلی او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه درووند بار ته دا نهه ویشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنیز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنیز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کامیابۍ راز یې په خپله د دغه رسنیز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زیار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مینه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنیز بهیر یې تر هدف رسیدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن یې موږ تاسې نهه ویشتمه کلیزه لمانځو.

محترم مشر بزګر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصیتونو لرلو تر څنګ یو بل ارزښتمن خاصیت دا دی، چې هغه ریښتوني وطندوسته شخصیت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبیلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنیز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم وروڼه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقیقت کې په اثبات رسولي ده، چې یو شاعر یې په خپل شعر کې وایي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته یو دی که مغل دی که افغان

پوره یوه لسیزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کیښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مینې داسې اورونه بل کړل، چې زه یې لیکلو ته اړ ایستم. لیکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي کې مین وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګیده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مینه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مینه وه، چې ما به د انترنیت له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت میډیا خپلواک رسنیز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنیز مرکز ته به مې خپلې نیمګړې لیکنې ورلیږلې او د دغه همکارۍ په نتیجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به یې زه هڅولوم، چې زما لیکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما لیکلو بلا تیروتنې لرلې، کیدای شي اوس یې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت یې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بیا د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخیستې، د دې لپاره ما دوه دلایل لرل، یوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مینه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم یې، ما باید دا په عمل کې اثبات رسولې وای، څکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت یې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه یې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کیدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهیر کې اجوره نه ده اخیستې او خپل وطن او وطنوالو ته یې دا نهه ویشت کاله وړیا خپل رسنیز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشرـ بزګر صاحب ته دوعاګانې کوم، چې ستر رب العزت یې عمر ډېر او ارمانونه یې پوره شه، او لوی خدای دې موږ ته هم دا توفیق راکړي، چې په دغه بهیر کې ورسره ریښتوني ملګري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال نشرات جهانی
کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.

دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.

اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیرو های دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعهٔ دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشنده گان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندۀ کشور امید داشته باشند. همـۀ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلۀ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیك است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.

دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود. زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـك و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقهٔ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندهٔ آن هاست، دارد.

در دورهٔ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیهٔ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پاڼې د درویشتمی کلیزی په ویاړ

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلی پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دين بيان ستر امانت دئ
په وطن باندی يهودو يرغل کړی
بی گناه وژنی همدا يي ستر خيانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يي شيطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډير مو مسووليت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه یو وصیت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!

محمد امین بسمل

د یو هېوادپال، ولس پال درانه او مـنلي هڅانـد افغـان پـه لاس ایښـودل شوی نیالگی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نیـالگی د هجـرت، غربـت او لاس تنگي په داسې بدو حالاتو کـې کښېښـود شـو، چـې د راتوکېـدو، زرغونېدو، لوېېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هیلې یې زیاتې نه وې، خو د یو متین او سنگین انسان په همت یې دا ټول پړاونه او مزلونه په بریا سره ووهل. مبارک دې وي بیا هم مبارک!

درویشت کلن دعوت نن هغه ښایسته او صالح اولاد ته پاته کیږي، چې نه یوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترگو کې خوږ لگي، بلکې کلیـوال او سېمه وال هم سترگې پسې اړوي (له نظره مه شې گرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تویه کړي له سترگو
چې لولمه لیکنې د پټمنو په دعوت کې
د هیلو مات وزری مرغی بیا په الوت راشي
امید دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هیلو دا مات وزری مرغی به څه وخـت سرمنـزل تـه پـه الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بیا هم د دې تمه شته، چې یـو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راگرځم د دعوت میوه لرونکي نیـالگي تـه، چـې ایښـودونکی یـې یـو داسـې پـتمن افغـان دی، چـې د توصـیف لپـاره یـې د پـوره الفـاظو په راټولولو کـې څـان عـاجز گـڼم. زمـوږ دا گـران افغـان محمـد طـارق بزگر نومیږي.

د ښاغلي بزگر صاحب د همـت، هېوادپـالنې او متانـت پـه اړونـد زمـوږ نورو درنو افغان لیکوالو خپل ښایسته نظریات وړاندې کـړي، خـو کـوم څه، چې ما د بزگر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

- د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.
- د پراخې سینې (حوصلې) څښتن
- ماهر او هېوادپال ژورنالست
- جذاب، حلیم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـــ پالونکی، مرستندوی او حقبین
ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزګر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزګر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړیستم، چې یو څو هر اړخیزې پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.
که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزګر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزګر صاحب خپل تګ لوری سم ټاکلی و.
د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې ویې کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنګینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.
د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.
زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.
د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو ويبپاڼو او ملت سره دغداري نيت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزگر صاحب او دا نور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورليږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانگړې کتگوري کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لگي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزگر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کي وايم.

محمد امين بسمل
د جرمني له باير ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

دريم ځپرکی:

پيغامونه

د منزل په لور د دعوت ديرش کلن مزل

ولي الله ملکزی

که د نړيوال ستيج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوريو او تهذيبونو د عروج او زوال تابلو ته ځير شو، نو هرو مرو به مو يقين راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسيدلو لپاره په پيړيو پيړيو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د ځواک ځولۍ ډکه، ارته او وغوړيږي.

د رسنيو دنيا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو يو ستومانه او ديته ورته تاريخ لري. د لرغوني چين دنګ ديوالونه، د بغداد منارې، د بيروت کوڅې، د اروپا ښيرازه ورشوګاني او د امريکا سيلکن ويلي، ټول د دی شاهدان دي چې د نړيوال کلي جوړول او يوه څنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګيرونوته اړتيا لري؟

له نن ديرش کاله وړاندی، د دعوت په نوم يوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دی ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره يوځای شوه او پدی زيره او شګلنه لاره يی قدم وهل پيل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کی لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پيسي نه وې او کله به د متوازنو اوغوښنو ليکنو او مقالو کمی وو، خو ټينګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه. دعوت کومه اسماني صحيفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغيو ته ببوزی وهي. دعوت د دريو لسيزو پدی اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړی او نه يی د څه واخله او څه راکړه سودا کړی ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه بريالۍ ګڼي او له کرکۍ څخه، کرکه لري. دعوت د ميني ساندې زمزمه کوي او د پخلاينې له شعار سره ستوني نرموي.

کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ويبپاڼې بڼه غوره او د انټرنيټ په نيلۍ سپره شوه، نو غږ يی د نړۍ په ډيرو

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخو کي غوړونه پیدا کړل. دا اوسنۍ کلیشه یی د یوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماینده ګي کوي او ښایسته ډیر څه پکې سترګو، سترګو ته کیږي.
ځما کشر ورور او د یو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلې او څرګند لرلید خاوند دی. د مالي او تخنیکي ستونزو سره سره یی و کولای شول تک تنها دومره غټ او دروند پیټي ته اوږه ښکته کړي او دی ځایګي ته یی را ورسوي.
موږ ولیدل چې د روسي ښکیلاک په مهال او بیا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلې او رقم رقم خپروني را میدان ته شوې، خو په څومره چټکۍ چې راغلي وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولی دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، میدان یی پری نښود او د منزل په لور خپل مزل یی همداسی جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنیو په کتار کې خپل پرستیژ لري او د خبر او څیړنو د یوې سرچینې په توګه ور باندی حساب کیږي.
هیله مند یم چې دعوت به د تیر په څیر، په راتلونکي کې هم د خپل دین، ولس او ارزښتونو په څنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړیږي، لا به وځلیږي او لا به ګړندۍ او میړنۍ شي.

سکرمنتو، کلیفورنیا- امریکا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت سره زما ملګرتیا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملګرتیا ډیره پخوانۍ ده چي لسګونو کلونو ته رسیږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کي وو په قلم به په څو محدودو مخونو کي په لاس لیکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپیوټر او د انترنت نړي کي لوی او بیل ځای لري. دعوت یواځي یوه چاپي جریده نه ده د دې په څنګ کي ځلور جلا ویبپاڼې، دوه پښتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com، یوه انګلیسي www.dawatmedia.com او یو پښتو ټلویزیوني چینل www.astv24.com چي لا هم د کار لاندې دی، چي په دې سره دعوت یو رسنیز مرکز دی، یو ځواک دی، یو قوت دی.

زه بوډا شوم خو خوشاله یم چي دعوت خپله دیرشمه (۳۰) کلیزه لمانځي. اوس نو یو سړی په زغرده ویلی شي چي د خپل هېواد څخه بهر د افغانانو په ځانګړي ډول د پښتنو یوه نړیوال رسنیز مرکز (دعوت میډیا) شته. دا ټول د محمد طارق بزګر نه ستړیکیدونکی هلي ځلي دي چي په یواځي سر د دعوت جریده په ښکلی ډول چاپ او د نړۍ نېژدی ۵۶ هېوادونو کي خپلو افغانانو او غیر افغانانو ته رسیږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کي د خپل شخصی لګښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسي ډول چاپ، خپرول او تر مینه والو رسول څه اسان او د هر چا د وس کار نه دی چي دا ټول محمد طارق بزګر صاحب په یواځي سر پرمخ بیایي. نو د لوی خدای (ج) په دربار کي ورته اوږد عمر او قلم یې تاند غواړم.

د دعوت درنو قلمي همکارانو، لوستونکو، مینه والو او په سر کي فرهنګیانو او فرهنګپالو څخه هیله لرم چي دعوت درنې میډیا او په سر کي د دعوت دروند مشر محمد طارق بزګر صاحب یوازې پری نږدي لکه چي تر اوسه یې یواځي پریښی نه دی. په راتلونکي کي همداسي خپلې ټولي مادي، معنوي او فرهنګي مرستي رواني وساتي، تر څو په بهر کي زموږ دا فرهنګي / کلتوری شمع تل روښانه وي.

شتوتګارت- جرمني

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.

زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره پوره ګټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.

الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړي توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم.

الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډير څه مې له دعوته زده کړه،
او ډير څه نه پکې خبر شوم

نجم شينواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کليزې په وياړ!
بزگر صيب! زه به درته ووايم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر تـه د تحصـيل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهيدم، اخبار، تلويزيون هرڅه عربي، يو څه موده و روسته چې مصر کې د پښوانيو افغان محصلينو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تگ راتگ پيـل شـو، يـوه ورځ مـې د يـو افغـان محصل گلاب سيد په کوټه کې د دعوت خپرونه وليده، ښه په غور مې ولوستله، ډير مطالب پکې وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملگـري چـې نـوي راغـلي هغـو ځـان سره د پيښـور نـه يـا افغانسـتان نـه راوړې ده، ملگـري نـه مـې وپوښـتل دا مـو پاکسـتان نـه راوړي..؟ هغه وويل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ويل نو څنگـه راځـي؟ وايي دا په اروپا کې ځيني افغانان چاپوي، او بيا يـې پـر افغانـانو مفتـه ويشي، وايي تر مـا د مخـه دا پـه بنـډلونو راتللـه، چـې چاتـه راتلـه هغـه محصلين تللی، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بيا بـه نـو زه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسـته بـه زمـا وار وو.. ډير څه مې پکې زده کړه، او ډير څه نه پکې خـبر شـوم، او ډيـرې دعاگاني مو درته هلته کولی.. ولو چې ما تاسي نه پيژندلی... خو قسمت مو وو... او د پيژندگلوئ هم يو جالبه کيسه ده... که تاسي ته ياده وي... ماته خو ياده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هيواد او ملت خـدمت تـه تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت رسنۍ، نهه ویشت کلنه شوه

عظیم الدین علیمي

دعوت رسنۍ نهه ویشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنۍ خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتیايي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځاي موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته واړولی او د هغوي همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلې او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه څیړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي.

د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لا زیاتې بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهء هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې خپل روښانه افغاني دریځ درلود

ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروې په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیسټ او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صیب په مشرۍ خپریږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلیږي.

دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دینې، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کیږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.

د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپرونې کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړبولم.

زه د دعوت د ویاړلې پاڼې د نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ ښاغلی بزګر صیب ته مبارکی وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر د اوسنی نړیوال سیاسی-کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزګر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.

بزګر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسانی روښانه څراغونه دي چی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختګ، آزادۍ او خپلواکۍ رڼا خوروي.

د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت ته مبارک شي!

عاشق لونګین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و نُه ساله گی رسانهٔ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.

رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاک و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.

این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانهٔ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یک پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتهٔ افغانستان حراست به عمل آید.

وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.

برای جناب طارق بزگر و سایر گردانندە گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانهٔ دعوت میدیا به همهٔ شما مبارک!

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت درویشتمه کلیزه دې مبارکه وې

انجنیر فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نیکې هیلی تقدیمه وم.
زه ډیر خوشحاله یم چه د دری کالو را په دیخواه ستاسی د ډیر درونـد علمی، دینی، سیاسي او اجتماعی ویبپاڼې نه استفاده او ډیری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالـو چـه پـه تیرو درویشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نـه ګټـې پورتـه کـړی وي بایـد اوس پـه دینـی، سـیاسي او اجتماعـي علومـو کـی لکـه یـو اکادیمسین په څیر د ملي او بین المللی چارو بانديې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.
زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښـی زده کـړی ورنـه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلـې شـپی او ورځـی مـو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادئ او اسـتقلال لـه پـاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسـی نور بـری غـواړم او د دعـوت درویشـتمه کـالیزه د زړه لـه کـومی تاسـی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاهٔ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د اديسي ادبي ټولنې پيغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور وياړلي دي، ده دا دوستور لمانځلي دی، او د تاريخ پاڼې يې هم په د دستور رنګينې کړې دي، نو ځکه د پښتانه په کور کې د جنګ او د دغه وياړلي تاريخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلې کيږي؛ خو بل طرف پوهه او قلم دي چې نني پرمختللی جهان ترې برخمن دی او راتلونکي يې هم روښانه ښکاري، مګر پښتنو پدې برخه کې ډير کم فکر کړی دی چې د پوهې او قلم سړی د سر سړی بلل کيږي، خو دا بيا زموږ ګاونډيو هيوادونو درک کړی ده چې زموږ د پوهې او د قلم سړی يا د مرګ کندې ته ورغورځوی، يا دوی بايد د غربت شپې د بل په ديار کې صبا کړي او موږ لا تر اوسه پدې فکر کې نه شوو چې د پوهې او د قلم خاوندان بايد ولمانځل شي، ونازول شي، تر څو پدې لار کې نور خواري هم وکړي.

جنګ په هر رنګه حلاتو کې پښتون ګټلي دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلری. علت يې دا دی چې پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم يې بايللی دی.

د افغانستان په ټولنه کې عموماً ډيرو کمو خلکو ديته پام شوی دی چې علم او پوهه د يوه هيواد راتلونکي مسير ټاکي. هغه چا چې د علم او پوهې څخه ګټه ليدلی او ترې خوشاله دی، ځکه چې ده په دغه لاره کې ډير زيار او زحمت ايستلی دی چې نورو ته يې هم ګټه ورسيږي، ژورناليست، ليکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صيب يادوم.

ښاغلی بزګر صيب د ژوند په دغه راز پوهيدلی دی چې علم او پوهه د انسان راتلونکي تقدير او تدبير کې جوړونکی رول لري، او همدغه علمي پوهه ده چې نن انسان تر مريخه هم رسيدلی دی.

ښاغلی بزګر صيب د پښتنو او پښتو ژبې له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړی ده چې هر انسان باندې خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لري چې ورته خدمت وکړي، نو ځکه بايد سړی په ځان شپه او ورځ يوه کړي او عملي کار وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی بزگر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همـدم گـړی د دعـوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسـوول دی، او همدارنگـه پـه علمی سیمنارونو کی برخه اخسیتل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلگه ده.

ښاغلی بزگر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نـه دی پـاتی شوی، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو.

د ښاغلی بزگر صیب د لمانځلو ورځ به نورو تـه هـم دا جـرات ورکـړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسـی، او پـه دی بـه پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښـاغلی بزگـر صـیب تـه د اوږد ژونـد هیلـه لـرو، پـه علـم، پوهـه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویلځن پـه هیـواد کـی زمـوږ مسـافر میشتی ورونړه ((د زلمو پـاڅون)) تـه د ښـاغلی بزگـر صـیب د لمـانځلو ورځی مبارکی وایو، ستاسو په همت او وطنپرسـتی افـرین. ستاسـو د لا نورو بریاو په هیله.

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د هر چا نظر او هیلې خپرې کړې دی

نیک هدایت ځاځی

نیکې هیلې او سلا مونه!
زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت وېبپاڼې او د پښتو لمړني انترنېټي تلویزیون په اړوند کوم چه په ډېرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هیواد تکړه او پر افغانستان مین خبریال او لیکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مدیریت او مسئولیت لاندې په کار او فعالیت شروع کړې ده، خورا اغیزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چې د هر چا نظر، هیلې یې په دعوت کې خپرې کړې دي؛ پوره بې طرفي، استقلالیت، رښتینولي او د هیواد د وولسونو، قومونو، لیکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه یې کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کلیزه د دعوت رهبرۍ هیئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لاډیرې بریاوې غواړم. ورسره هیله کوم چې افغانان دعوت اخبار، ویب پاڼې او د لمړني پښتو ټلویزیون سره تر خپل توان پوري مالي مرستې وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلویزیون لاغني شي.
ستاسو لابریاوې زما هیله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازي د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم

محمد ایاز نوري

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملي شخصیت محمد طارق بزگر او ملگرو ته! سلامونه او شې هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلیزه د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوی او دا کرغیړنه لړی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانگړې توگه د خپل ورور د افغان ملت خدمتگار محمد طارق بزگر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزگر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنی د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزگر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختگ کړی او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه گوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دئ، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د یوه افغان په حیث، چې هیـواد او ملـت مـې ډېـر راتـه گـران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادی پـال وطنـوال تـه ورمبارکوم. عالیقدر محمد طارق بزگر صاحب ته شه روغتیـایي حالـت نوي او نوي بریالیتوبونه په شخصي او ملي ژونـد کـې د لـوی الله څخـه غواړم. بزگر صاحب! یوازې نه یې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان یو خدمتگار
محمد ایاز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

منه، ستاینه او خواله

استاد محمد اسمعیل یون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!

سلامونه او احترامونه مې ومنه، هیله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې بریمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه ګڼه ترلاسه کړه> رښتیا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې کیناسته. ډیره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډیرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلې ((پالیسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څیرو له ښکارندویې څخه اوړې تشولې. خو دلته هم د ځینو اشخاصو له خوا ځینې وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډیرو دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو کې یې بیلګې ډیرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا مومي.

آره خبره خو دا ده چې ډیر کلونه کیږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هویت ړنګونې او له منځه وړلو لپاره د نږدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې رواني دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګینه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړی وای نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم یوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولي او ويي ويل پښتو او پښتونولی خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخوانی ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شميره ورانيو تر څنګ يي د افغاني ـ پښتنی ارزښتونو او کلتوري شتمنيو په ړنګوني او لوټوني پيل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سيمي ځينې هېوادونو د افغانستان او په خانګړي ډول د پښتنو لرې او نږدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري يې.
لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکی رول درلود، خو بيا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم يو پښتنی ضد نانـدريزه اداره جوړه شوه د ((شنې ليکی)) پيروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه يې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلي ژبي او قوم په باب يې هغه د چا خبره غور هم نه ګراوه. په پايله کې پښتانه په ټوليز (کلي) توګه په څو ډلو وويشل شول: [۱] انترناسيونالستان (د سرې ليکی پلويان)، [۲] پان اسلامستان (د شنې ليکي پلويان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه يا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه يې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودريږي)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمير ډير زيات نه دی، ايله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره يې مقابله کې ولګوي. د انترناسيونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پريږده چې وخت په وخت يې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زيانونه اړولی دي.
کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پيښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پيښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتيږي. مور خو اوس لاس تړلی، او فکر تړلی اولس يوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.
تر کومه ځايه چې په نورو ژبو او لږکيو قومونو پورې اړوندېږي، پښتو پالنه او يا پښتونولي د چا له ژبې سره د کينې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصل کړي او ساتلي، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګړېدل جرم نه دي. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.
ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کې له نوموړي ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم څپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکني درولیږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکني مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون
مارچ ۱۹۹۶/۴- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library

په سټوکهولم کې ښاغلي محمد طارق بزګر وویاړشو

د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمني سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډیسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د ګران هیواد افغانستان د ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر په درناوی، ستاینغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سویډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کمیونونو څخه افغانانو ګډون کړی وو. ډیری ګډونوال د هیواد ځوان پښت وو. یو شمیر یې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هیواد راتلونکي علمي او فرهنګي شتمني ده چې پخپل ګډون سره یې غونډه لا پرتمینه کړې وه. د راغلو میلمنو په منځ کې ښاغلي حبیب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو میشتو افغانانو د یووالي او پیوستون بېلګه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکې کمیون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تیاری نیول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتیب سره مخې ته بیول کېده.

غونډه په یوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ایتونو په تلاوت پیل شوه، ورپسې د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې یې پر مخ بیولې، ښاغلي محمد طارق بزګر، ښاغلي حبیب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دریځ (لوژ) کې خپلو ځایونو ته ولاړ شي. ورپسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې یو مشر غړي نصرت الله ننګرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازیتوب میلمنو ته ښه راغلاست ووایي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلي ننګرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلي قریب الرحمن سعید پیغام ولوستل شو.

د غونډې ویاند ښاغلي سرلوڅ مرادزی ته بلنه ورکړه چې مایک ته راشي، چې ښاغلي مرادزي د سټوکهولم د استوګنو په استازیتوب یې ښاغلي بزګر او د غونډې نور ګډونوالو ته هرکلي او ښه راغلاست ووایه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوموړي د بزګر صاحب د ۲۳ کلن وياړمن فرهنګي خدمت ستاينه وکړه. هغه، ښاغلی بزګر د هيواد ملي ګټو او د افغانانو ملي يووالي ته ژمن شخصيت وباله او د مهاجرت په شرايطو کې يې د ښاغلي بزګر په نوښت او ميړانه د د عوت د جريدي او په را روسته کې ورسره د بريښناپاڼې په بريا چلولو کې د نوموړي هڅې او زيار د قدر وړ وګڼه. هغه په وينا کې زياته کړه، دا چې بزګر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه يو نړيوال تلويزيون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زيار يې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخيزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د درونډ استاد روستار تره کي پيغام د غونډې ګډونوالو ته واورول شو. له دې روسته يو زيات شمير پيغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هيوادونو او لويو وچو څخه د هيواد دردمنو ليکوالانو، شاعرانو، ژورناليستانو، د ادبي او فرهنګي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزګر په وياړ او درناوۍ راليږلي وو او په هغو کې د بزګر صاحب ۲۳ کلن فرهنګي هڅې او د ژورناليزم په ډګر کې د نوموړي د زيار او هاند ستاينه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته يو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرګه کيدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سيف الرحمان شيرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پيغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (ګلستان) پيغام له کوټې څخه، ښاغلي همايون ننګرهاري د نيک هدايت ځاځي پيغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجينر فضل احمد افغان پيغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاويد مومند د عمر پاڅون پيغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پيغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدين شعر د بزګر په وياړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پيغام، د بلژيک څخه د ښاغلی امين باوري پيغام او د اوکراين د اديسې ادبي ټولنې پيغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د يو شمير نورو پيغامونو لنډيز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرګه کړ.
د غونډې ورپسې ویناوال له مالموښار څخه راغلی دروند میلمه ښاغلی حبیب الله غمخور و چې په زړه پورې وینا سره یي د غونډې ګډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وینا په یوه برخه کې وویل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازې فرهنګی شخصیت دی بلکې یوکارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره تولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مینې ښکاره بېلګه یې ګڼلای سو.
ښاغلی محمد طارق بزګر نه یوازې د بیلوبیلو مقالو په لیکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په اسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې یی نه یوازې دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څېړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولې، دا دې اوس یې د ۱۹۹۷ کال راپه دیخوا د دعوت جریدې د خپرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.
ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وویل چې بزګر د نړیوالو لیکوالو او ژورنالستانو له خوا یاد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره یې د امریکایی لیکوال ښاغلی بروس ریچاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه یې ((افغانستان: رښتیا پلټنه)) نومیږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د ویاړ ځای دی او د دغه کتاب لیکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې مننه او یادونه کړې ده.
ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګر په ډېرې مننې سره واخیسته.
بل ویناوال ښاغلی حفیظ الدین پیرزاده و چې د بزګر صاحب د فرهنګي او ژورنالیستي ګټورو خدمتونو ستاینه یي وکړه او د ستر لیکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره یې غونډه توده کړه.
همداراز ښاغلي ډګروال حلیمي صاحب هم پخپل وار سره د بزګر

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاحب د فرهنګي هڅو په وياړ خپلې څرګندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزګر د تېز او غوښنده قلم ستاينه يې وکړه.
د غونډې د چارو کوربه د چای او دمې لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزګر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.
د غونډې په روستۍ برخه کې بزګر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د ګډونوالو د پوره پاملرنې وړ وګرځېده.
بزګر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنګه ښاغلي بزګر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنګي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رااستولي وو، دوی ته کورودانې ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرګنده کړه.
ښاغلی بزګر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه ګڼم! څه چې ما کړي يوازې د يو افغان او پښتون په توګه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړي دي.
بل خوا بزګر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توګه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.
په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلي بزګر صاحب ته د ښاغلي ډاکتر سرلوڅ مرادزي او د ښاغلي حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويډيويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

گران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بڼ چوڼی یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کیږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پایښت او ښایست تراني غږولي، په لکونو مخه پاڼې یې تورې کړي، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، ځرنګوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولي، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولي.
ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم!
همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شېبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library

((دعوت)) د ملي او درنې خپرونې له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، مېړانې، پاڅونونو، سرلوړيو، ښاديو او رازونو سره ملګرى پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شين)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نيتونه يې ولس او نړيوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سيمه کې يې د ښکېلاک او زبېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تياره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو يې پردې لرې کړې. دغې خپرونې پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړيوالو ليکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، ريپوټونو، خبرونو او تحليلونو رنګين کړل. د ژورناليزم ټول بنسټونه او اصول يې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معياري ده، په تېره بيا تل يې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ی)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت يوه اړتيا ده. د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورناليزم کې يو وياړ او د الهام وړ دى.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وايم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شريک بولو. بزګر صيب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

څلورم څپرکی:
د بزګر څېره

در مستند نارویژی «پناهنده»

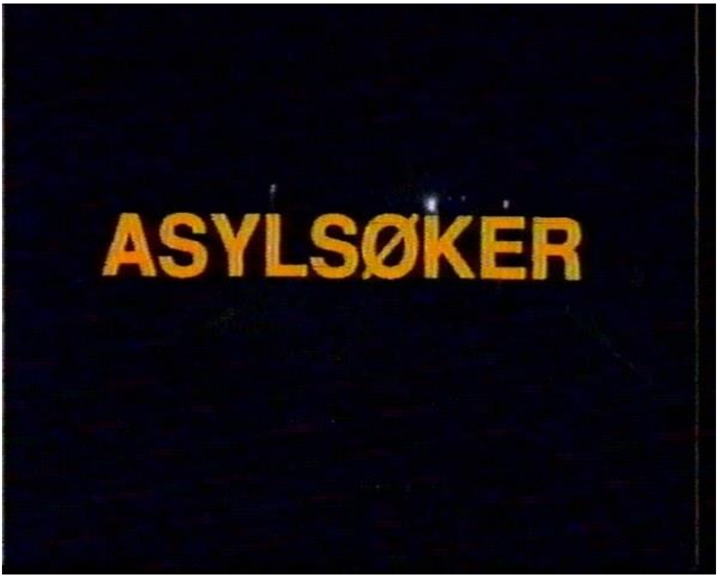

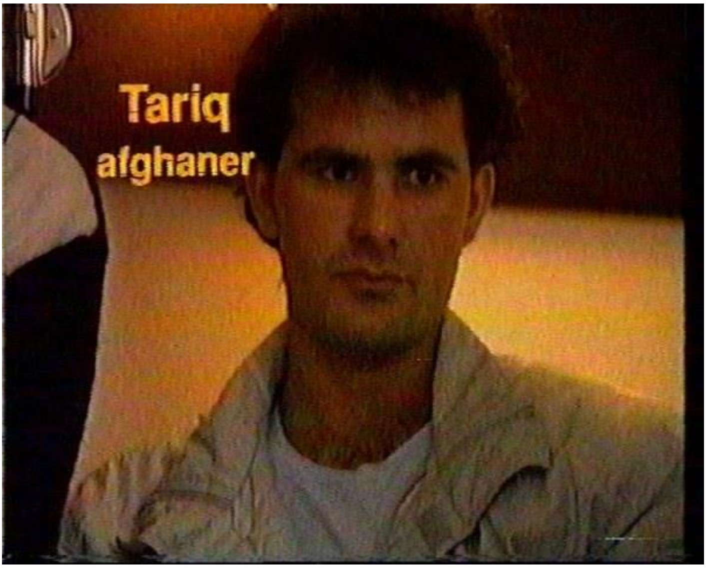

(c) ketabton.com: The Digital Library

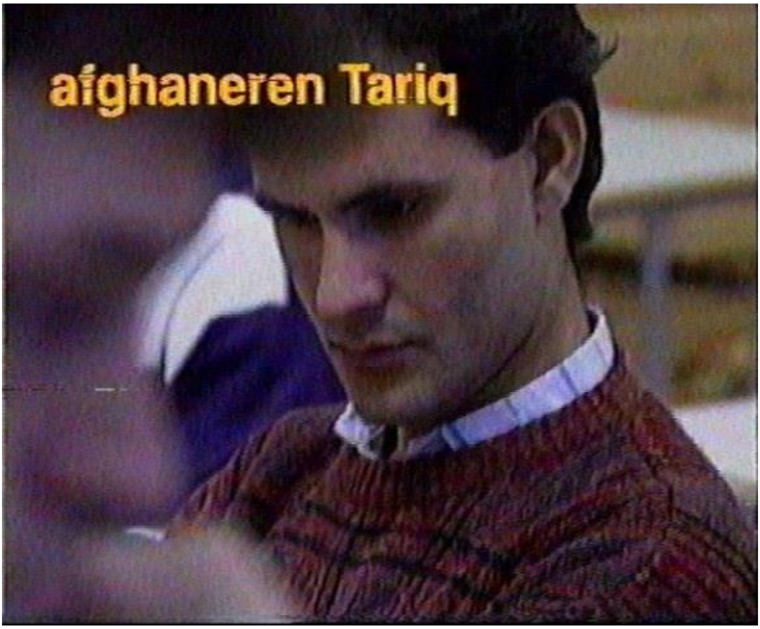

(c) ketabton.com: The Digital Library

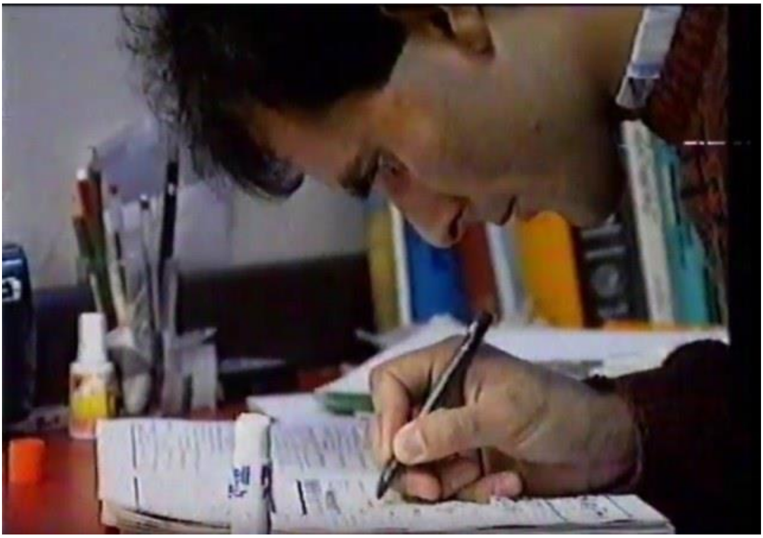

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در مطبوعات غربی

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. Han har [illegible] for avisen Dawat, som kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

– Man skal huske på at

mat og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker begge [illegible] og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man

(c) ketabton.com: The Digital Library

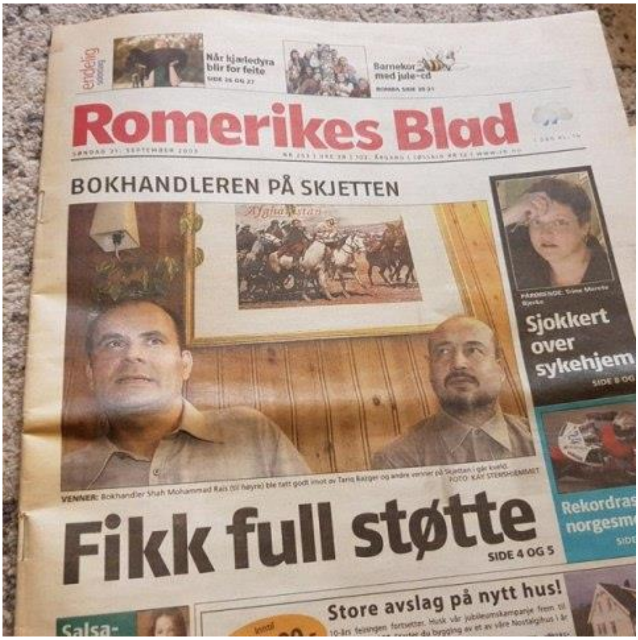
Når kjæledyra blir for feite

Barnekor med jule-cd

Romerikes Blad

BOKHANDLEREN PÅ SKJETTEN

Sjokkert over sykehjem

VENNER: Bokhandler Shah Mohammad Rais (til høyre) ble tatt godt imot av Tariq Rarger og andre venner på Skjettan i går kveld.

Fikk full støtte

SIDE 4 OG 5

Store avslag på nytt hus!

LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

Geriljaleiaren likar ikkje lettvinte jenter

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet Vest Posten

LAUSSAL KR 4,00

INSTALLASJON
Ulstein Elektro AS

NR. 113. 61. ÅRGANG LAURDAG 28. OKTOBER 1989

Fløstranda godkjend:

Ingen rotter, ingen røyk

Kidnappa banksjef

Livet har vore langt

Libra-akustikk i Olavshallen

eslivet

Vikebladet/Vestposten

Første opphaldsløyve for afghanarar

Asylmottaket på Hareid:

Næringslaget sikra lokal leveranse-pak

Farhad kom åleine hit 17.oktober 1988. 15.januar i år fyller han 16 år. Onsdag fekk unggutten brev om at han har fått opphaldsløyve på humanitært grunnlag. Han er såleis ein av dei få heldige afghanarar her i landet som har motteke eit positivt svar frå departementet før 15 månaders-regelen tok til å gjelde.

Tareq - også frå Afghanistan, kom til Norge 4.oktober 1988. Han vart lenge halden på pinebenken. Først 1. september 1989 fekk han melding om at han ikkje fekk vere her i landet. Han anka, men har enno ikkje fått svar på anken. Torsdag 4.januar var det 15 månader sidan han kom hit. Fristen er ute, men kva lagnad departementet vil gje han, er framleis uvisst.

Ny runde i «Grimstadvatnet Rundt»

Vazeer er ein 37 år gammal kurdar frå Tyrkia. Han kom til Norge 5.oktober 1988. Tidleg i fjor vår fekk han høyre at politiet ikkje fann att papira hans, og at dei ville kontakte han for ...

Haidar er 35 år, også frå Af-

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanarane ved asyl-mottaket

Flytter frå Hareid

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

• ANNE GRY EILERTSEN

Vikebladet Vestposten

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Fotballen rullar...

INSTALLASJON
Ulstein Elektro AS

Hareid Skulekorps har hatt 25 års-jubileum. Det feira dei først med eit veltakka korpstreff for 500 «gjester» frå laurdag til sundag. Så var det jubileumsfest med 200 deltakarar 1. mai.

Billig på daglegvarer

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet/Vestposten

Tareq har fått svar

Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzah frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel. Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei trugsmåla han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis, dei viser til brudd på 14.dagars-regelen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14.dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det lot seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland.

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovedsak var han opptaken av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. [illegible] soldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtståande leiar av ein annan gruppe, såg med misstro på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skulen. Tareq byrja føle seg truа, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Den mektige leiaren hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømen.

Her i landet har Tareq målmedvete arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje vore redd for å stå fram med meininga si. [illegible] ord, han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdsla. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

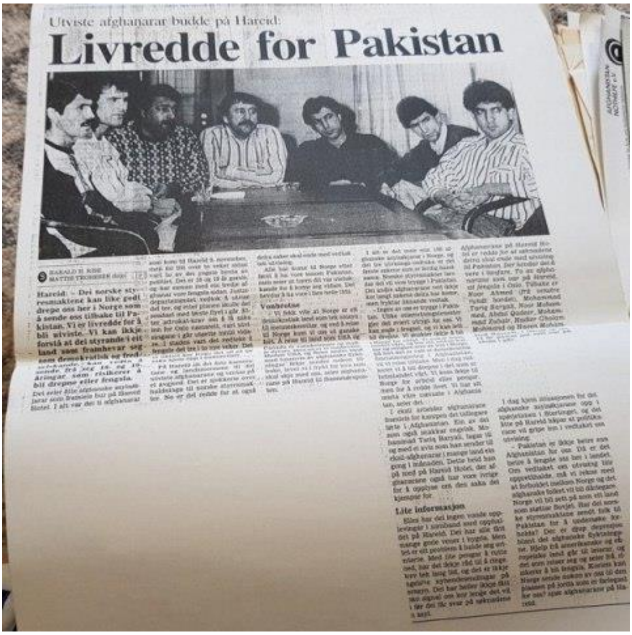

Utviste afghanarar budde på Hareid:

Livredde for Pakistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan - til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.

For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av timannsgruppene som geriljaen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Dei tru ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane. I Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val likevel, hevder Tariq. Sovjet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på sameslutninga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei 5 afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid- og bli geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvisning. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfoldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

mot Pakistan, afghanske byar etter sovjetisk bombing, lemlesta born.

-Her er mine brør, viser Tariq på eit bilete av ei geriljagruppe. -Har du mange søsken? -Fire brør og fire søstre, svarar han stolt. -Og søstrene, er dei også med i geriljaen? Han drog på det. -Dei er

Men dei andre afghanarane på hotellet hjelper til. Muhammed Noor (t.h.) er militærlege, alle har dei sin bakgrunn i geriljaen.

HAREID:

Kyrkjelydsarbeidar i permisjon

Organist-stilling i Hareid ledig

Vest Posten

NR. 21 ONSDAG 15. MARS 1989

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Sitjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Ståande: Mohammad Tariq Bargoli, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand,

I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.

Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.

Kva slags ekteskap lever du i?

FRÅ HEIMANE-VÅRE-KVELDEN SIDE 4

Vestposten i påska!

Vestposten tek ferie i neste veke. Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m. Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

VestPosten

NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg Hareid Ror a/s.

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det mandag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd ut eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

Møte mellom afghanarar og politikarar sist mandag

TOK BERGEN MED STORM.

...rungavåg-slaget ...ørundfjorden!

Vel-

...lokalpolitikarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøkjarane

Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tarig Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva dei kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.

MARIT KVAMMEN

Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal ... Måndag kveld ... Hareidpolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått ...

Kven må reise?

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ikkje ein gong på humanitært grunnlag ... land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

... afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av svelte-streiken - begge alternativ er «i beste fall».

Feigt å vere flyktning

... slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg uhaldbare tilstander når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

Det er ikkje noko afghanarar ...

... Men dei politiske ... der er ikkje slik i dag at det er mogleg. 5,5 millionar afghanarar lever i dag utanfor landets grenser, dei fleste i Pakistan og Iran, ... dei har flyktningestatus. Både KGB og den afghanske etterretningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire høgtståande afghanarar i eksil i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette ... maktkampen mellom dei afghanske grupperingane som dei ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

...ey under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

Afghanistankrigen ikkje s...

• ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i uddane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flyktningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore gerilja-soldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

- Gorbatsjov blir sett på som ein god mann i Vesten, men vi afghanarane som opplever dagleg at 3000 menn blir drept på grunn av våpen dei ... har eit anna syn på Gorbatsjov.

Tareq sa vidare at den ikkje er kommunismen dei i første rekke vil til livs, men dei vil ha eit demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsstrukturen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

- Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

- Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.

i Bigset Vest

Kommunestyre-representantane på talarstol

Johanne Blindheim

Erling Hareide leiar for fotballgruppa

SVEIN SMØRDAL HUSSTYREFORMANN

Minneord

Signe Jøsok, f. Nilsen, døydde 9. oktober i år, 87 år gammal, og vi på Myra vil gjerne knyte ein krans av minne og takksemd til namnet hennar.

Ho var fødd i Hysvær, Helgeland, men kom til Bjørnsund 16 år gammal. ...

I over 60 år var ho såleis tanta vår og eit fast haldepunkt i vår barndom. ...

No har ho også fått oppfylt sitt andre ønskje: Å få flytte til dei evige bustader.

Kjære tante, vi unner deg kvila i Jesu namn.

Ingebjørg Wolsdal

*

Signe Jøsok vart gravlagd frå Hareid kyrkje 13. oktober. ... Res.kap. Dag Håland stod føre den rituelle tenesta og heldt talen utfrå Joh. 9. 4-5: «Så lenge det er dag må vi gjere hans gjerningar som har sendt meg. Det kjem ei natt då ingen kan arbeide. Medan eg er i verda, er eg ljoset for verda — »

Desse blomane vart lagde på båra hennar:

— Ein bårebukett frå søstra Olga Jensen og ein krans frå søstra Konradine Paulsen, ved Henry Jensen.

— Krans frå svigerinne og tante, ...

Informasjonskveld om Afghanistan

Mohammad Tarig Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er det omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte rømme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

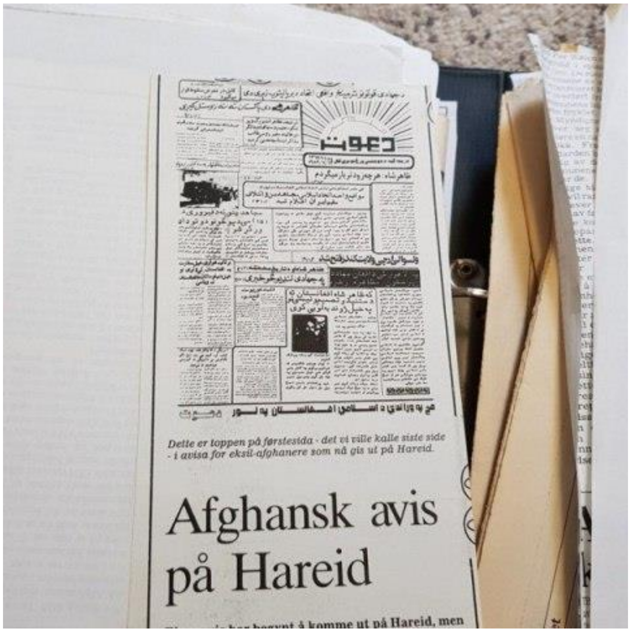

(c) ketabton.com: The Digital Library

FREDAG 6. JANUAR 1995

reportasje

11

Fører kamp med pennen

DAWAT

- Jesus ville ikke tifte noen religion

Slakter boka om skogfinnene

Akershus

ROMERIKES BLAD

NR. 5 - FREDAG 6. JANUAR 1995
LØSSALG KR. 8,00

Volvo-kontra til Dyno Cipa

Tariq byttet gevær med avis

Afganske Tariq Bazger kjempet med våpen mot den russiske okkupanten i hjemlandet. Nå fører skedsmosokningen kamp for fred gjennom sin egen avis. Avisen har 2.500 abonnenter i 40 land.

SIDE 11

Birger med grovt skyts

Museumsbestyrer Birger Nesholen slakter Asbjørn Fossens bok «Historien om de norske skogfinnene». Birger Nesholen er bestyrer ved Gruetunet museum i Solør, og han regnes som spesialist på finneinnvandringen.

SIDE 11

Kari på hjemme-

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

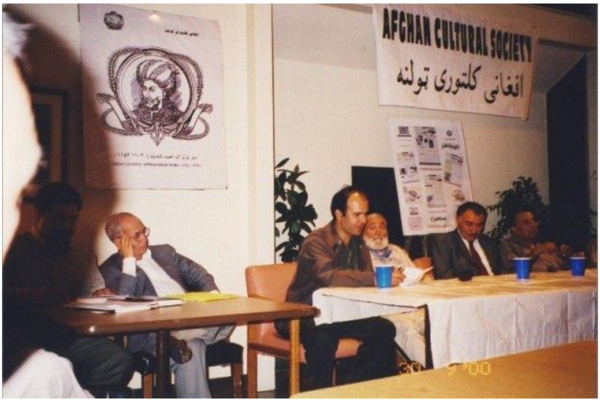

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

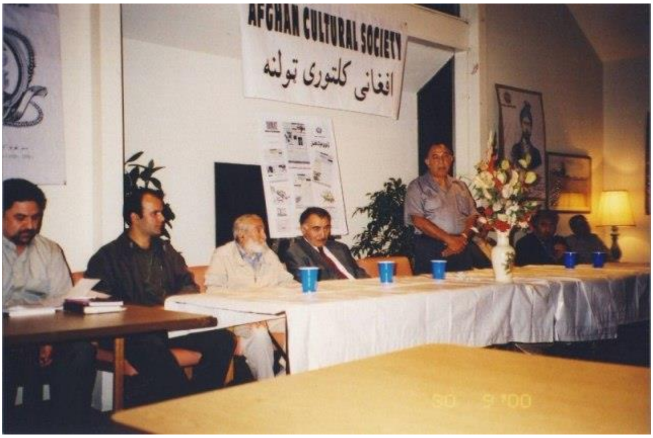

(c) ketabton.com: The Digital Library

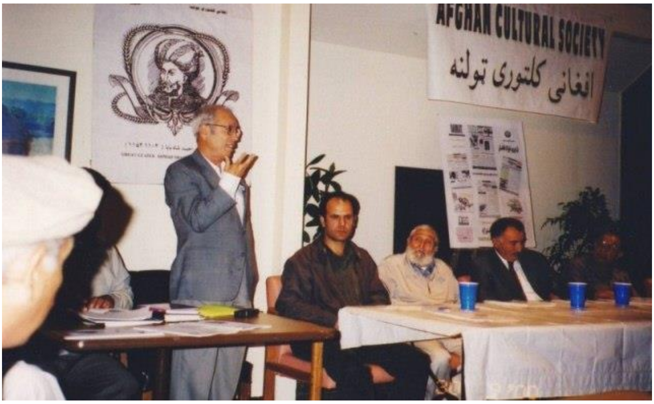

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در برنامه ی تلویزیونی
ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش نامه ها

پیل د بېښونکي څښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاڅون ټولنه د ګران هېواد افغانستان ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست **ښاغلي محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوي دا ستاینلیک ورکوي او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوي.

نېټه : ۲۰۱۱،۱۲،۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Bazger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige

لاسلیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغاني کلتوري ټولنه
شمالي کلیفورنیا، امریکا
Afghan Cultural Society

نېټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن لیك

قدرمن هیوادپال ښاغلی محمدطارق بزگر

څرنګه چه تاسو دیوغښتلي هیواد پال په توګه په تیره لسیزه کی دهیواد ملي کتبی او کلتور د ژوندی ساتلو په لار کی نه ستړي کیدونکی هلی ځلی کړی د بلی خوا د "دعوت" ز ریته میاشتنی خپرونه مو د یو ځلانده ستوری په توګه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کی روښانه سا تلی.

دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دی سپیڅلی خدمتونو او ستاینه کوی او کور ودانی درته وایی. هیله ده چه دا کلتوری پاخون ترپایه تعقیب کړی . دلوی خدایه در ته په دی ملي خدمت کي بری غواړو.

په درنښت

پوهاند ډاکټر شاه ولي اراکوزی
د افغاني کلتوري ټولني مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

CERTIFICATE OF FELLOWSHIP

We hereby declare that

BAZGER M.TARIQ

Completed the IInd Media21 workshop on [illegible] during the Probalt Conference in Gdansk, Poland, Sept 13—Sept 19, 2009

(c) ketabton.com: The Digital Library

د افغانستان د کلتوري ودې ټولنه
Verein zur Förderung der afghanischen Kultur e. V.
ستاینلیک
د افغانستان د کلتوري ودې ټولنه ستاسو ښاغلي
طارق بزګر، د دعوت ویب پاڼې چلوونکي
هيوادنه، غوره علمي، کلتوري او ملي خدمتونه په وياړ سره ستايي او له دې کبله تاسو ته دا ستاينليک منظوروي.
ټولنه تاسو ته په دې سپيڅلي ملي لاره کې لا ډيرو برياليتوبونو هيله کوي، او په ګران هيواد افغانستان کې سوله او سوکالي غواړي.
په درنښت
د ټولنې مشرتابه جرګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

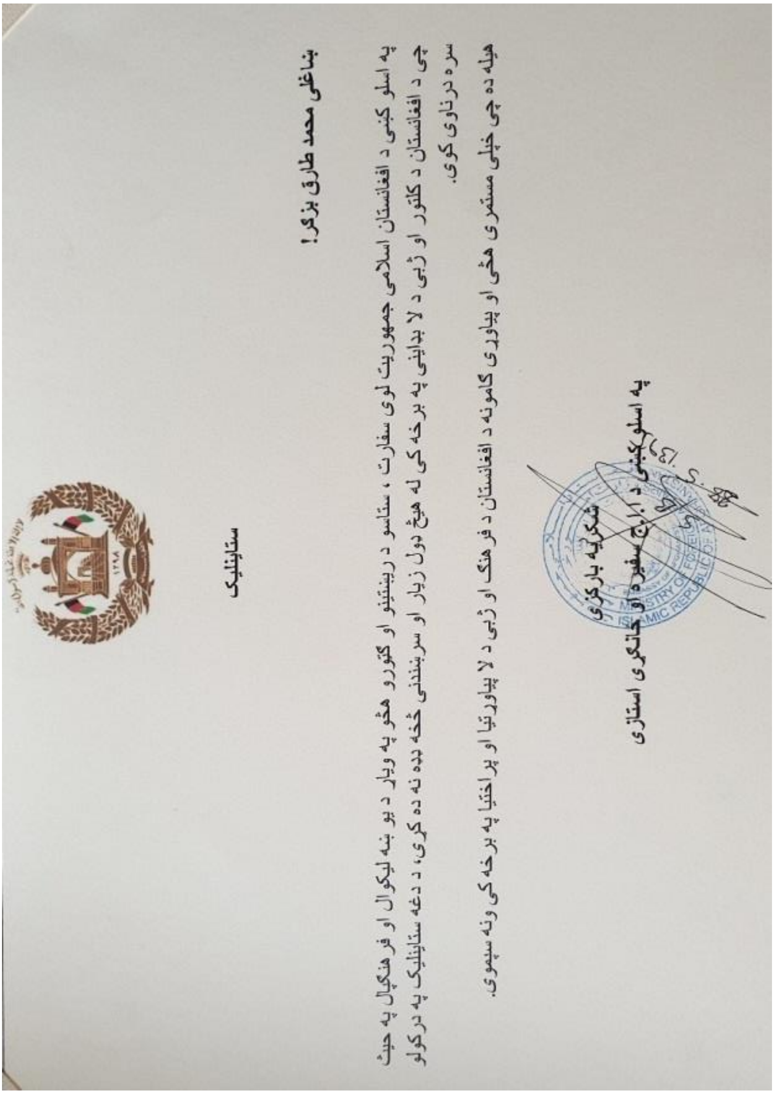

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بداینې په برخه کې له هیڅ دول زیار او سربښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ډرکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چې خپلی مستمری هڅی او پیاوړی ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړی استازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنځم ځپرکی:

د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

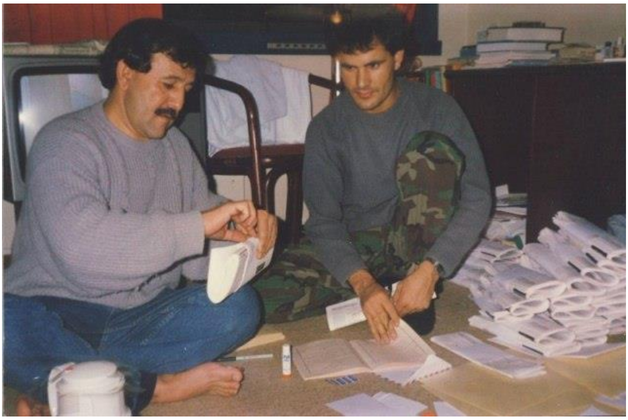

(c) ketabton.com: The Digital Library

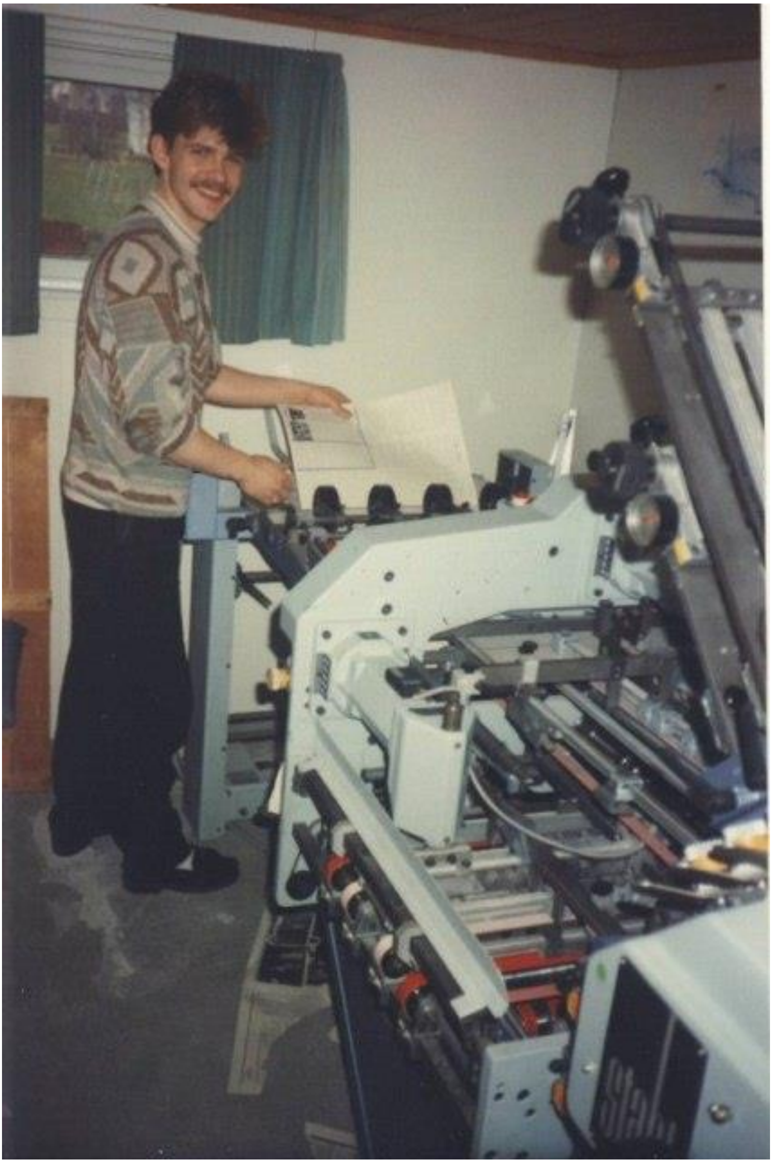

مسوول نارویژی چاپ نشریه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

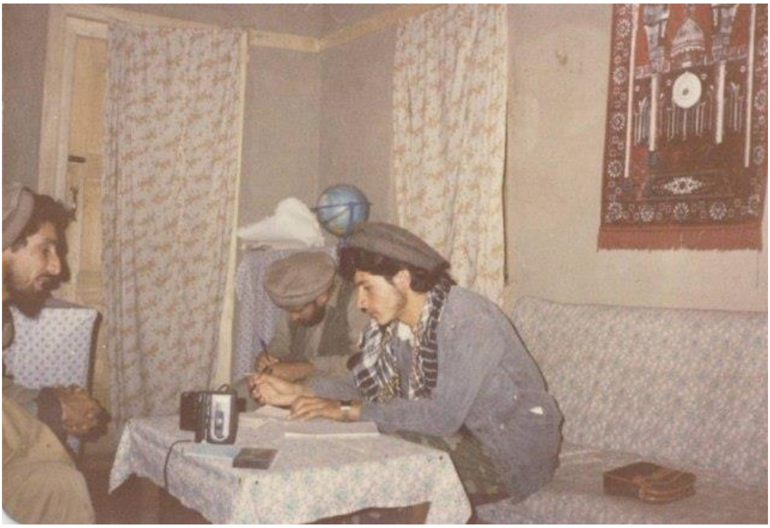

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

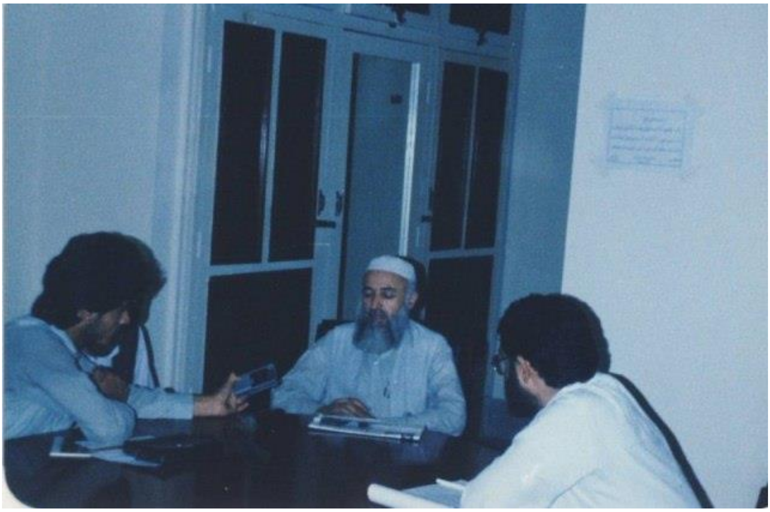

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

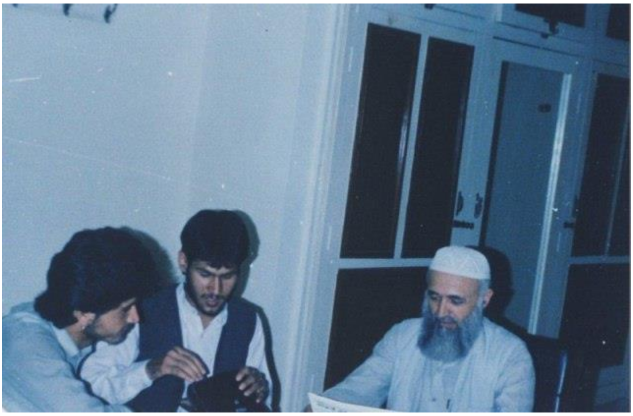

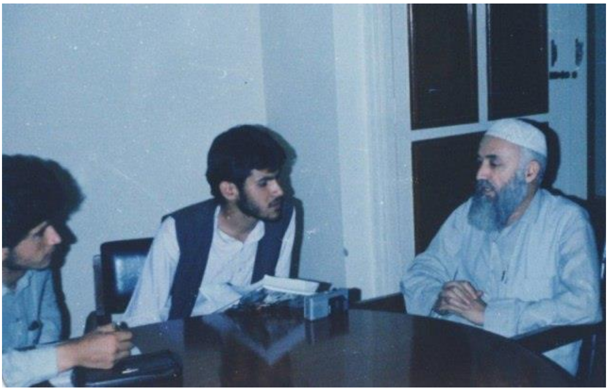

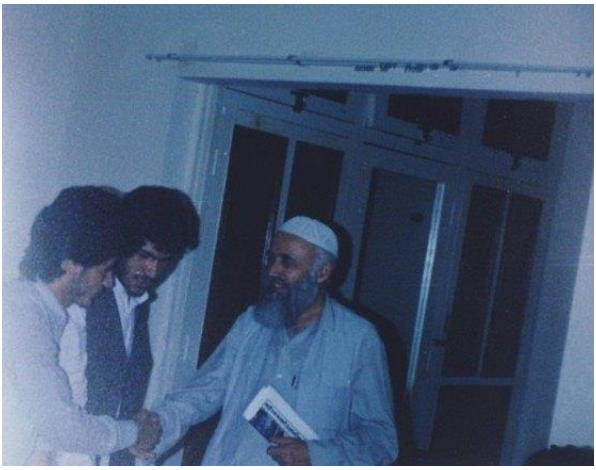

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

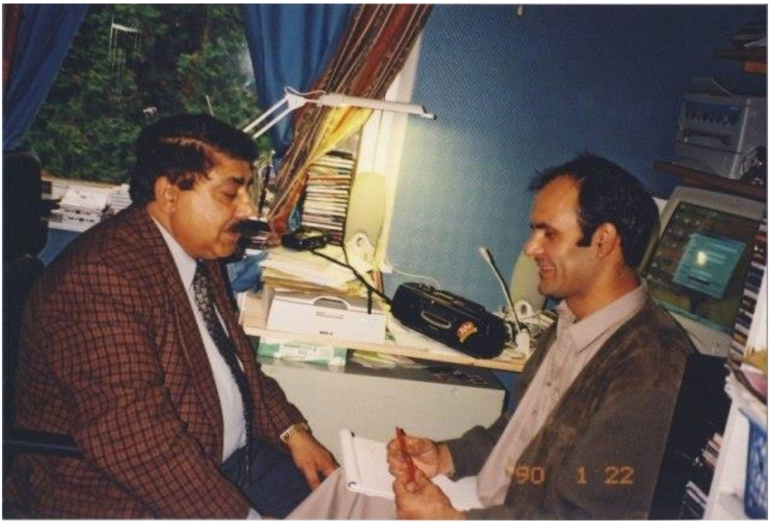

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الکریم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library

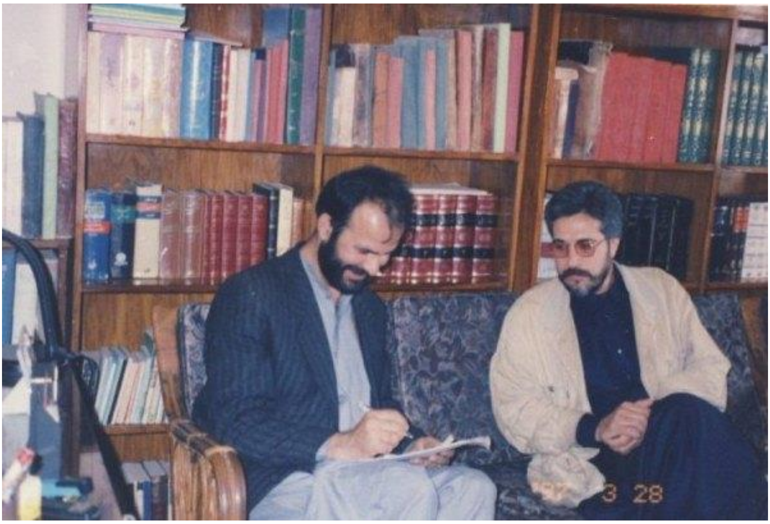

سید اسحاق گیلانی

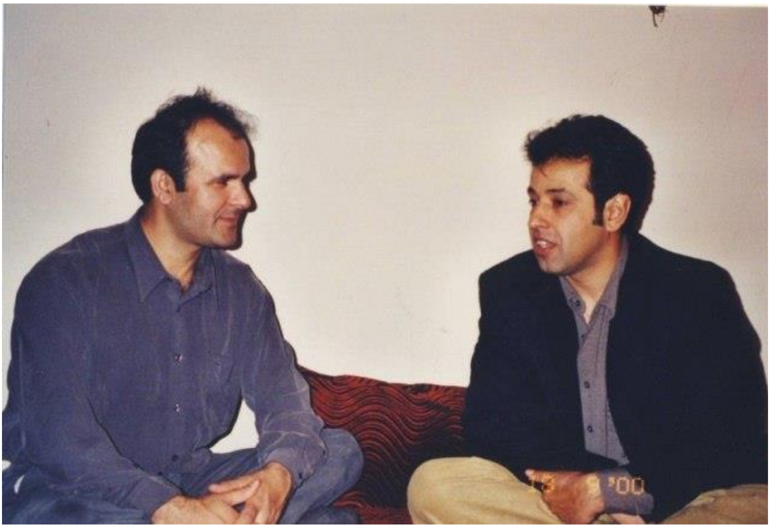

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

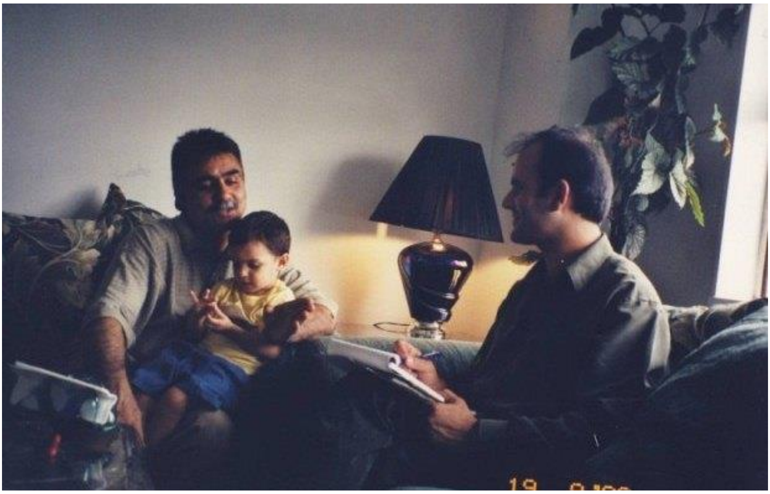

لطيف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

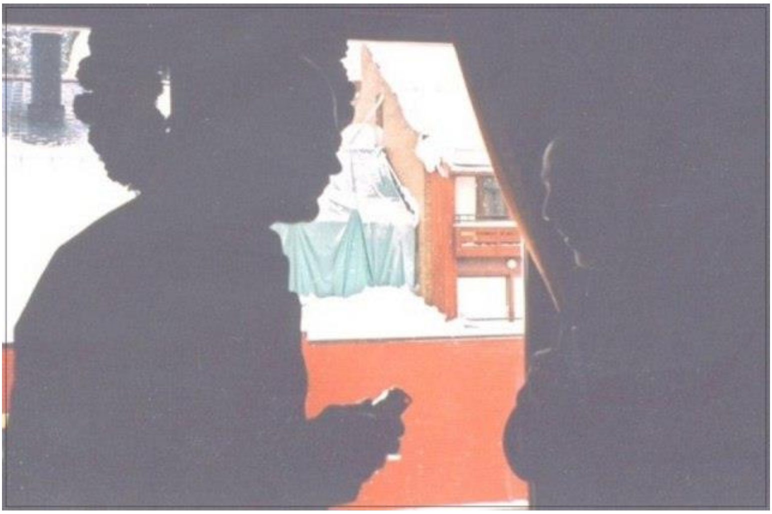

حامد کرزی

شينکی کروخيل

(c) ketabton.com: The Digital Library

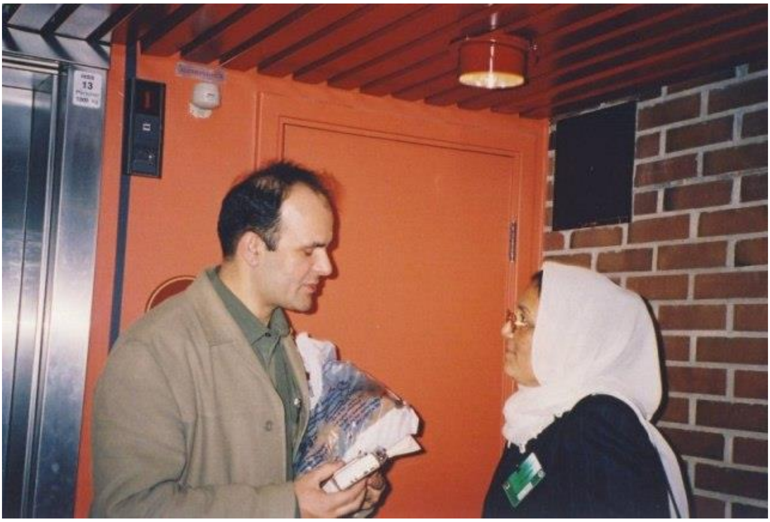

حبيبه سرابی

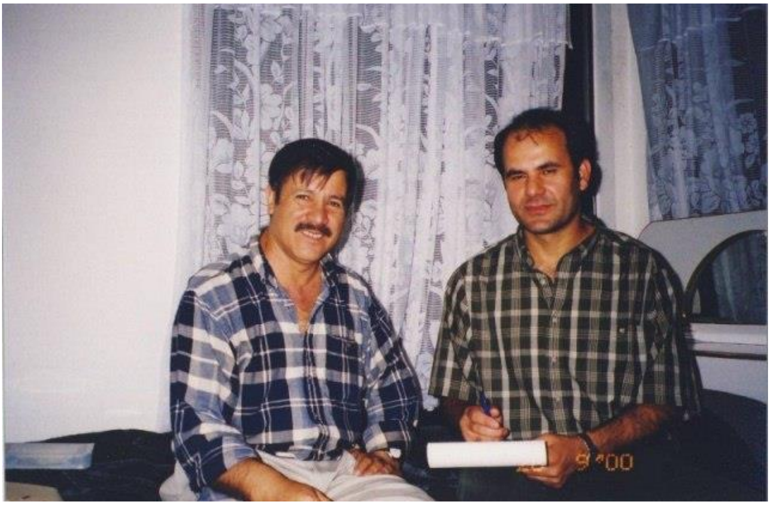

زمريالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

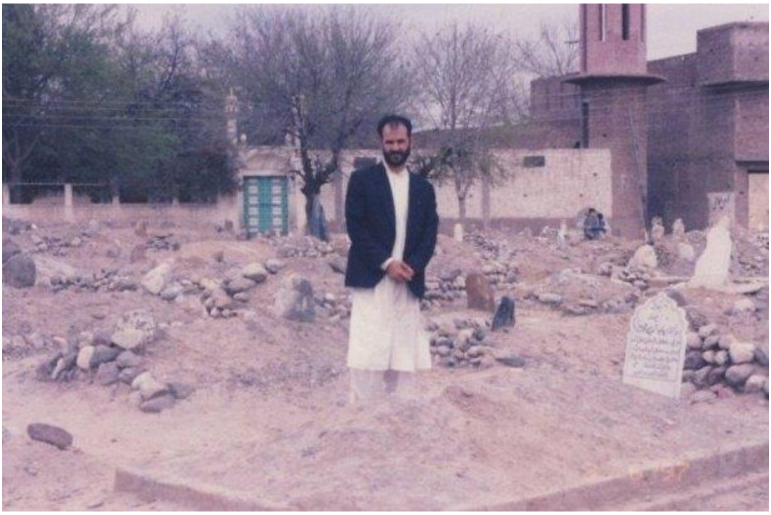

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

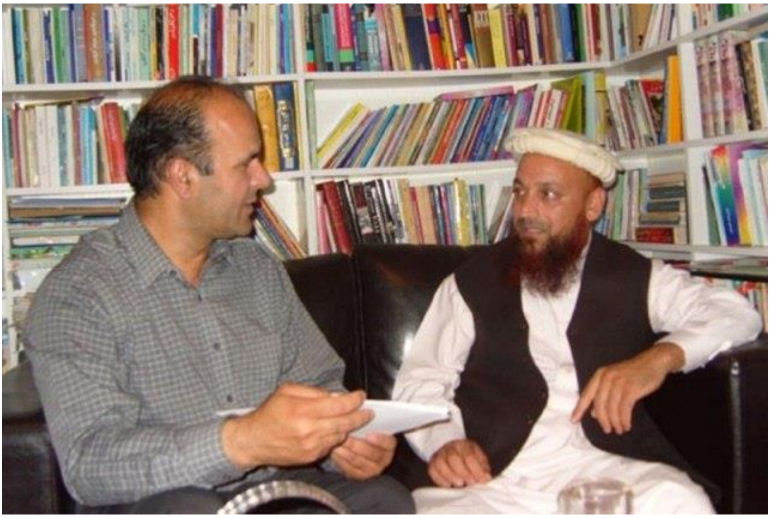

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبیر ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

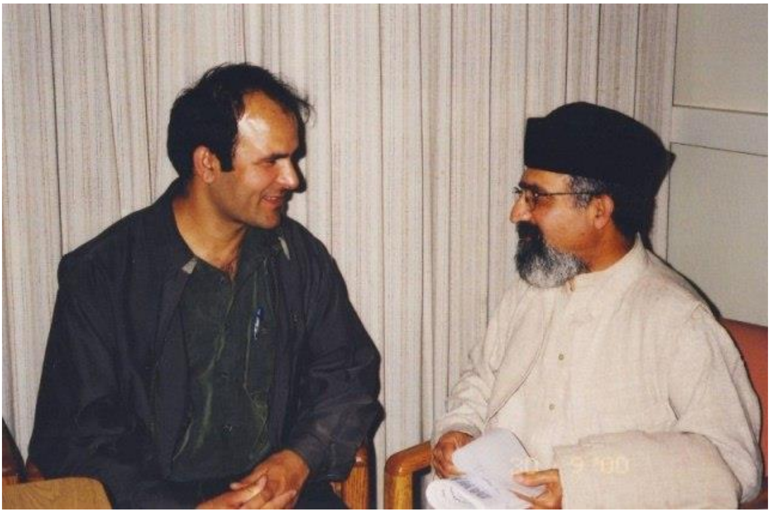

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library

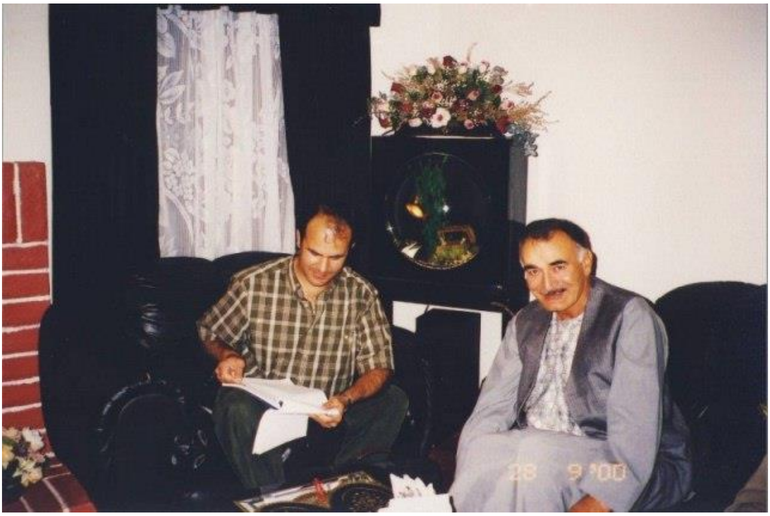

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library

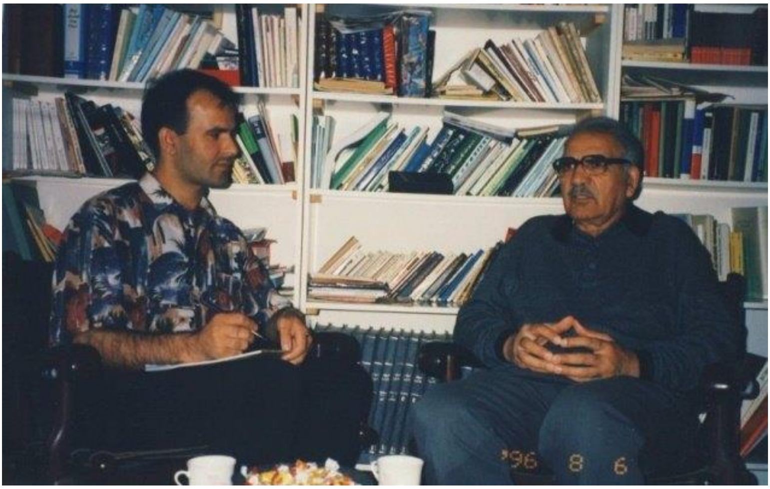

مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

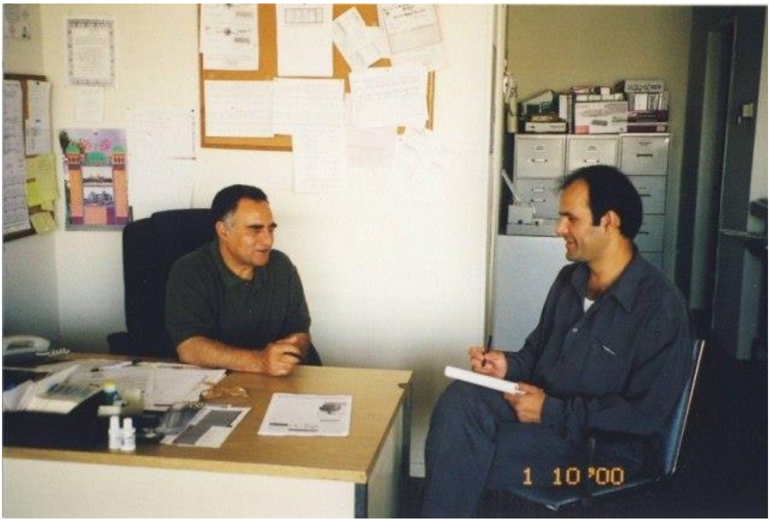

عبدالله مجروح

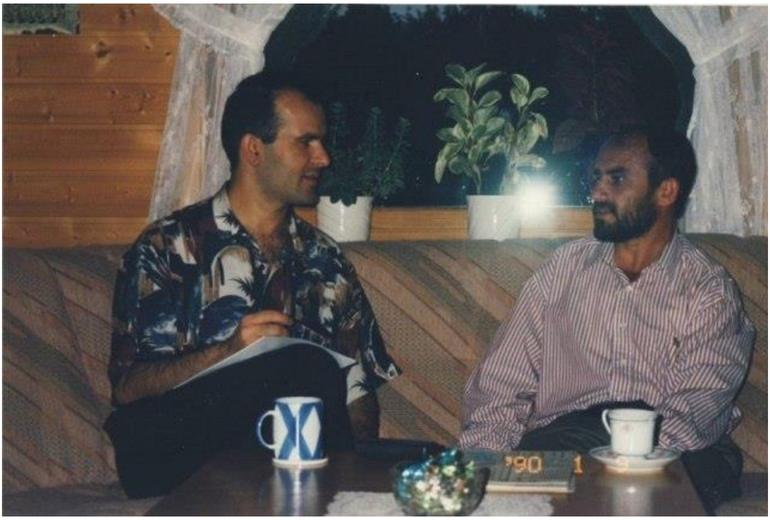

شینواری

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منگل

ريود ليبور

(c) ketabton.com: The Digital Library

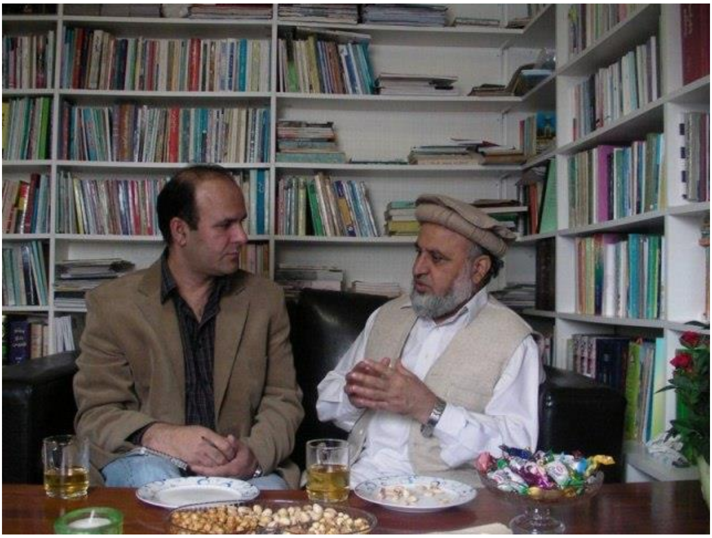

سیما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library

شپږم څپرکی:

د انځورونو البم

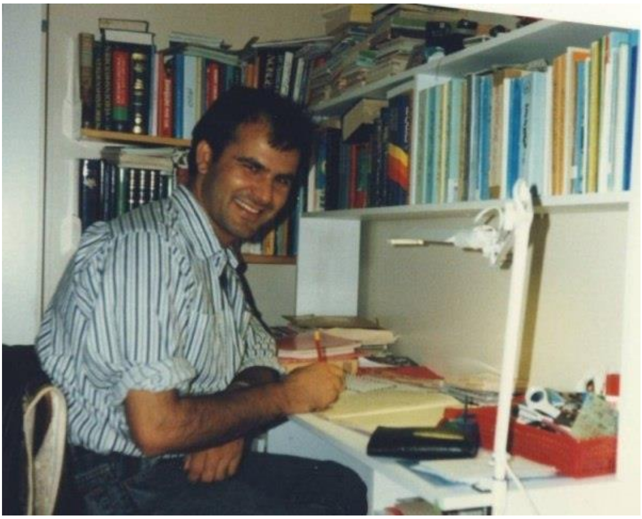

(c) ketabton.com: The Digital Library

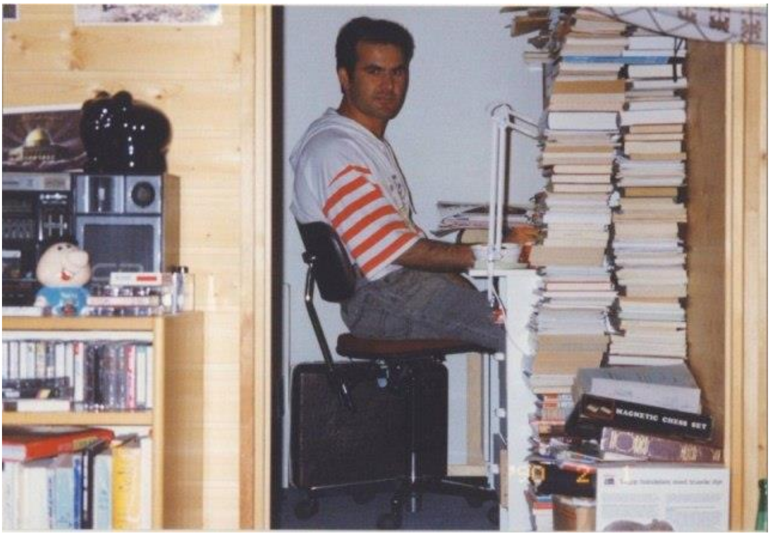

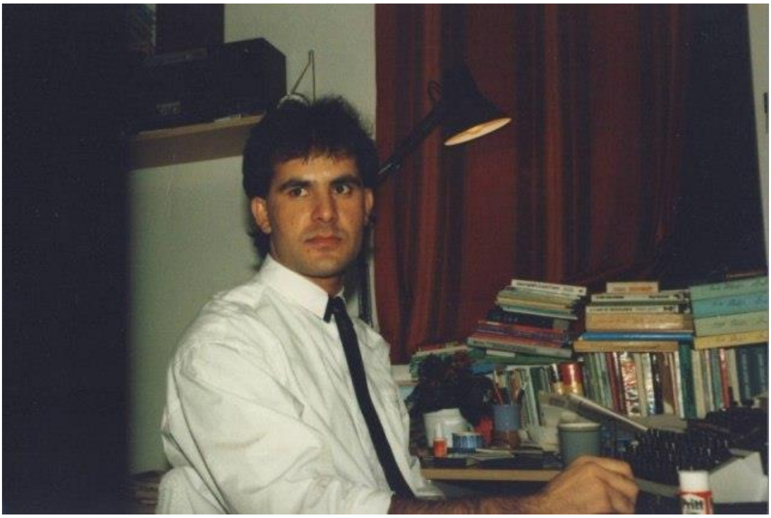

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

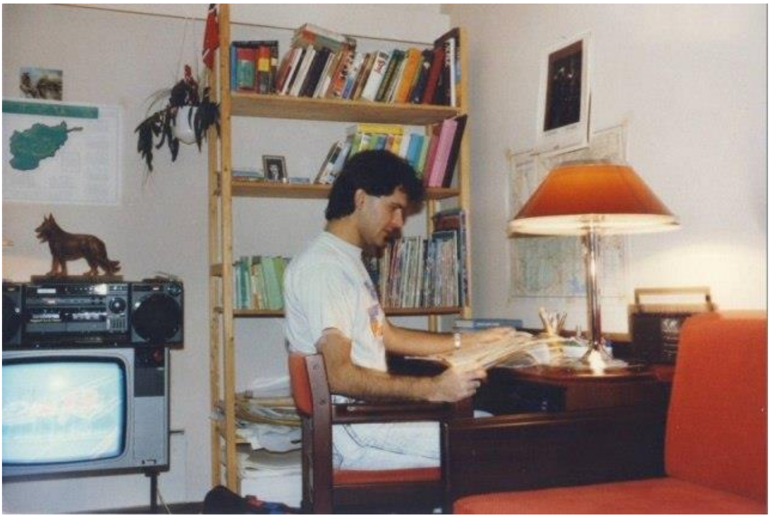

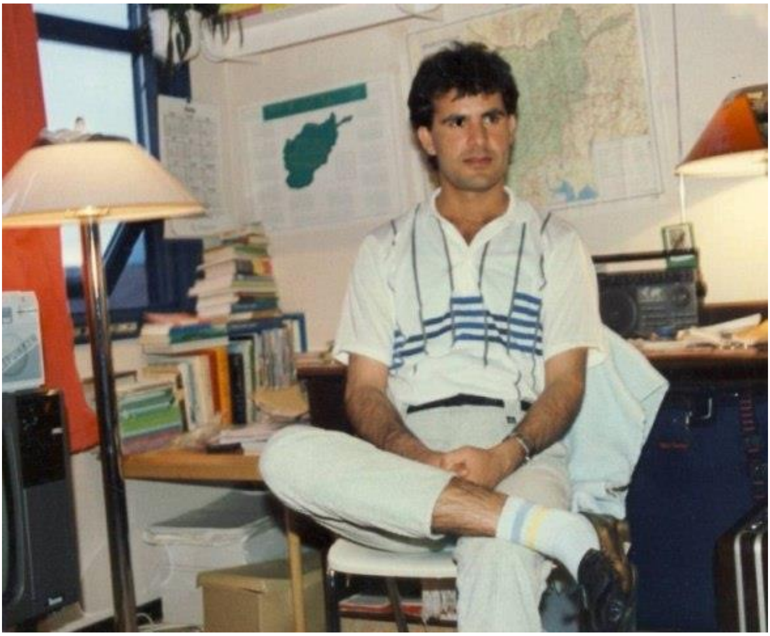

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

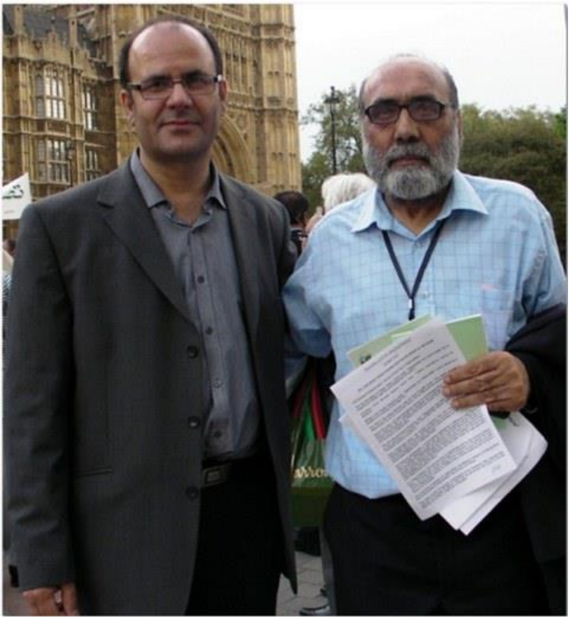

غلام محمد زرملوال

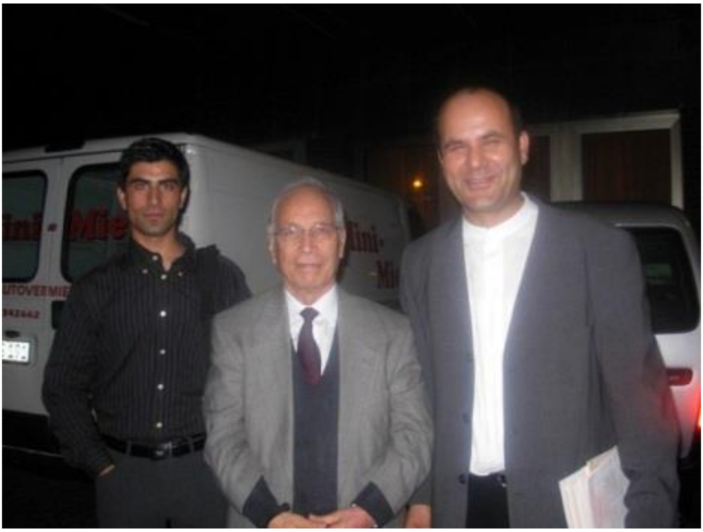

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

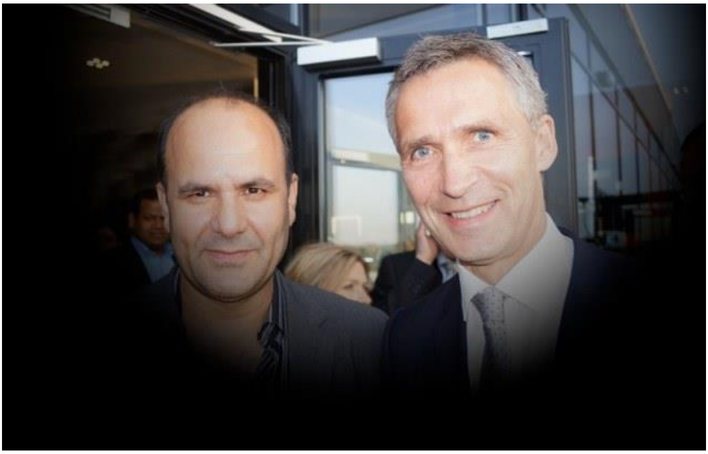

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

02.12.2011
Germany - Hürth

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پول افغان»، وب سایت «پول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.

۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.

۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.

۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها

کتاب ها و نشریات:

«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).

تاییدات فرهنگی- مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library